قدس زندگی

پنجشنبه ۲۳ اسفند ۱۳۹۷ | ۱۴ مارس ۲۰۱۹ | ۷ رجب ۱۴۴۰ | سال سی و دوم | شماره ۸۹۲۷ | ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام نخاولی در حال و هوای زیارت رجبیه

# ماه رجب مطلع فصل عبادت است

۱۱

روایتی از مسابقات کشتی باچوخه که ۱۴ فروردین، کشتی گیران را از سراسر ایران به اسفراین می کشاند

# پهلوان‌های گود زینل خان

۱۰

۱۲

## ورزش

روز نخست هفته بیست و دوم لیگ برتر فوتبال

### تراکتور – شهرخودرو تب در تبریز

۱۵

## سیماوسینما

گفت‌وگو با محسن نقی‌زاده، کارگردان مستند «این منطقه آلوده به مین است»

### آمده‌ام به وظیفه طلبگی‌ام در سینما عمل کنم

سال گذشته انتشار عکسی از استفاده امام جمعه وقت ایلام از خودرو شاسی بلند پرادو در رسانه‌های داخلی و خارجی جنجال آفرین شد به طوری که او در یکی از خطبه‌های نماز جمعه خطاب به منتقدانش در استفاده از خودرو گران قیمت گفت: «توصیه می‌کنم به این جایگاه که مین گذاری است نزدیک نشوید و چنانچه نزدیک شوید با مین به هلاکت خواهید رسید!» این ماجرا موجب شد تا محسن نقی‌زاده، طلبه فیلمسازی که آثاری همچون «دیوار گتو»، «بومرنگ» و... را در کارنامه مستندسازی‌اش دارد نگاهی به سبک زندگی ائمه جماعات کشور داشته باشد و ساخت فیلم مستند «این منطقه آلوده به مین است» را کلید بزند...

۱۴

## ادب و هنر

گفت‌وگو با طاهره ایبد به بهانه انتشار مجموعه‌های تازه‌اش

### تخیل، نیاز کودک و نوجوان امروز است

۱۶

## ایستگاه

درباره «حسین گل گلاب» و سرود «ای ایران» چه می‌دانید؟

### دانشمند گلِ گلاب

کمتر کسی پیدا می‌شود که سرود «ای ایران» را نشنیده باشد. اما تا دلتان بخواهد ایرانی‌هایی را سراغ داریم که هنوز نمی‌دانند شعر این سرود را چه کسی سروده است! سوژه امروز از جمله شخصیت‌هایی است که کم لطفی ما ایرانی‌ها به شکلی مضاعف شامل حالش شده است. سروده‌اش را بیشتر از خودش می‌شناسیم و دوست داریم و در ضمن نمی‌دانیم شاعر «ای ایران» دانش و هنرهای دیگری هم از سر و مغز و انگشتانش می‌باریده است. کمترین لطمه‌ای که این «نشناختن» به شخصیت و آثار «حسین گل گلاب» می‌زند این است که خیلی هامان، این سرود را نه یک اثر ملی و میراث فرهنگی، بلکه فقط ترانه و سرودی مثل هزاران ترانه دیگر می‌دانیم.«حسین گل‌گلاب» ۱۲۳ سال پیش در تهران به دنیا آمد. فرزند «ابوتراب خان» معروف به «مهدی مصورالملک» بود که نقاش و عکاس سرشناس دوره قاجار به حساب می‌آمد و بیشتر در نقاشی روی سنگ مهارت داشت. می‌گویند نقاشی‌های برخی از روزنامه‌های آن زمان از جمله آثار او بوده است. پدر نقاش فقط به آموختن هنرش به «حسین» اکتفا نکرد. چون با موسیقیدانان همدوره‌اش رفاقت و نشست و برخاست داشت، فرزندش را هم با موسیقی آشنا کرد تا «حسین» نواختن تار و سه تار را کامل یاد بگیرد و بعد هم که مدرسه موسیقی وزیری راه افتاد، از نخستین شاگردانش بشود. گرایشش به موسیقی البته تفننی و گاه و بیگاه نبود، به طوری که بعدها در کنار افرادی چون «کلنل کاظم وزیری» و «علینقی خان وزیری» موسیقی را جدی‌تر ادامه داد و حتی در مدرسه وزیری به تدریس هم پرداخت...

## مجاز آباد

### علی کریمی و یاد شهدا

همزمان با روز بزرگداشت مقام شهدا، علی کریمی با انتشار دلنوشته‌ای برای شهدا در اینستاگرامش نوشت: «سلام بر آنان که رفتند تا بمانند، نماندند که بمیرند. به آنان که پلاکشان را از گردن خویش درآوردند تا مانند مادرشان گمنام بمانند. ای شهدا حمدی بر ما بخوانید که شما زنده‌اید و ما مُرده... روز شهدا مبارک».

### انتقاد از جشنواره جام جم

نجم الدین شریعتی مجری شبکه سوم سیما در واکنش به اختتامیه جشنواره جام جم در اینستاگرامش نوشت: «کاش به پاس مشارکت میلیونی مردم عزیز در این نظرسنجی وسیع این ایام، مردمی بودن این جشنواره در میان آرای مدیران و هیئت داوری رنگ نمی‌باخت و تحت تأثیر قرار نمی‌گرفت و شایسته بود دست کم میزان و درصد آرا در بخش‌های مختلف اعلام می‌شد».

### ویلای پر حاشیه دختر وزیر

میلاد گودرزی -خبرنگار- با انتشار خبری به نقل از خبرگزاری دانشجو در زمینه ویلای آقازاده لواسان نشین، در اینستاگرامش نوشت: «طبق اعلام شهرداری لواسان، شبنم نعمت زاده تا آخر هفته وقت داره تخریب رو اجرا کنه. هفتگی هم باید گزارش بده. اگر اجرا نکرد شهرداری اجرا خواهد کرد. این خبر حاصل پیگیری خوب بچه‌های خبرگزاری دانشجو است. این رسانه‌های تو باغ تا تصویر تخریب کامل اجرا شده رو منعکس نکنند بی‌خیال می‌شن به نظرتون؟»

### دلنوشته فرمانده برای شهدا

محسن رضایی با انتشار پستی در اینستاگرام نوشت: «اسفند ماه، موسم شهادت دو برادر فداکار، مدافع اسلام و انقلاب اسلامی و دلسوخته ملت ایران است.

برادرانی که نماد غیرت آذربایجان بوده‌اند. از دامنه کوه‌های آذربایجان سرچشمه گرفتند و تا آبی بی‌کران خلیج فارس را با اخلاص و شهامت پیمودند. شهیدان مهدی باکری و حمید باکری در دفاع مقدس نقش مؤثری داشتند، نه فقط در به انجام رساندن عملیات‌های بزرگ نظامی، بلکه در ایجاد شوری عظیم که از شعوری ناب برآمده بود؛ شور و شعوری که به هشت سال دفاع مقدس محدود نماند و هنوز که هنوز است، عطر جانبخش آن در جبهه‌های مقاومت به مشام می‌رسد».

جوان‌ترین امام جمعه ایران ترند توییتر شد

# جوانان پشت تریبون

**کیان راد:** جوانگرایی و حواشی مربوط به آن که این روزها در فضای مجازی و حقیقی حسابی جنجال به پا کرده شاید به مذاق خیلی‌ها خوش نیاید. دل کندن از میز و صندلی و خالی کردن میدان به سود جوان‌ها کاری نیست که هرکسی از عهده‌اش بربیاید.

اما وقتی به انتصاب‌های اخیر رهبری نگاه می‌کنیم با انبوه انتصاب‌هایی روبه‌رو می‌شویم که تک تکشان در راستای جوانگرایی صورت گرفته‌اند. بحث جوانگرایی مدت‌ها پیش توسط رهبری مطرح شد، اما نقطه ژرف آن شاید «بیانیه گام دوم انقلاب» باشد که همین یک ماه پیش یعنی ۲۴ بهمن ماه منتشر شد. بیانیه‌ای که روی صحبتش با جوان‌ها بود. جوان‌هایی که طبق گفته رهبری حیات انقلاب را تضمین می‌کنند. آمادگی جوان‌ها و روحیه انقلابی آن‌ها برای ادامه حیات انقلاب اما کافی نیست. جوانگرایی و استفاده از تخصص جوان‌ها نیازمند همکاری مسئولانی است که تا امروز برخلاف شعارهایی که در راستای عمل به بیانیه گام دوم انقلاب سر داده‌اند، کوچک‌ترین گامی برای عمل به توصیه رهبری برنداشته‌اند.

### چراغ اول

هفته پیش بود که امام جمعه همدان با کناره‌گیری از سمتش به علت کهولت سن، پروژه جوانگرایی در این استان را کلید زد. آیت‌الله غیاث‌الدین طه محمدی که حدود ۱۵ سال امام جمعه همدان بود، در راستای عمل به بیانیه گام دوم انقلاب، میدان را به جوان‌ها واگذار کرد و در آخرین خطبه خوانی‌اش خطاب به مردم گفت: «بسیار خوشحالم که یکی از آرزوهای دیرینه بنده محقق شد و رهبر معظم انقلاب این امانت سنگین را که در مدت ۱۵ سال بر دوش ما گذاشته بودند برداشتند، بنده از ایشان سپاسگزارم».

بلافاصله پس از این اقدام ارزشمند، کاربران فضای مجازی کمپینی برای تشکر از امام جمعه همدان راه انداختند. یکی از کاربران در این باره نوشته بود: «ولایتمداری یعنی اینکه نذاری حرف ولی و امامت روی زمین بمونه؛ از مهم‌ترین توصیه‌های رهبری در تحقق گام دوم انقلاب، جوانگرایی بوده که امام جمعه همدان این را به خوبی فهمیدن و با جایگزینی خود با فردی جوان‌تر گامی استوار در تحقق آرمان‌های رهبری برداشتند».

کاربر دیگری هم با کنایه به مسئولان نوشت: «درسته که انقلاب به ۴۰ سالگی رسیده، اما قرار نیست با همین فرمون مسئولان ما هم جلو برن و رفته رفته سنشون بره بالا، بالاخره باید یه جایی پوست اندازی بشه. واقعاً باید دست امام جمعه همدان را بوسید که با انصراف خودش، اولین چراغ را در عرصه جوانگرایی روشن کرد تا جوانان هم فرصتی برای عرض اندام پیدا کنند».

### جوان‌ترین امام جمعه کشور

پس از کناره‌گیری آیت‌الله طه محمدی از امامت جمعه همدان، کاربران با هشتگ‌های مختلف درباره جانشین او گمانه‌زنی می‌کردند. باتوجه به اینکه پیش از این حجت‌الاسلام حاج علی اکبری به عنوان امام جمعه تهران انتخاب شده بود، تقریباً تمام کاربران مطمئن بودند که رهبری برای امامت جمعه همدان هم فرد جوانی در نظر دارند. سرانجام چند روز پیش رهبر انقلاب جانشین آیت‌الله طه محمدی را اعلام کردند.

انتخاب حجت‌الاسلام والمسلمین حبیب‌الله شعبانی به عنوان جوان‌ترین امام جمعه کشور همه را شوکه کرد. استقبال کاربران از انتخاب جدید رهبری حیرت انگیز بود، به طوری که هشتگ #جوانترین- امام- جمعه به یکی از داغ‌ترین هشتگ‌های توییتر فارسی تبدیل شد.

کاربران توییتر ضمن تشکر و قدردانی از رهبر انقلاب به خاطر جوانگرایی، پست‌هایی را در تمجید از امام جمعه جدید همدان منتشر می‌کردند. کاربری نوشته بود: «تأکید مداوم رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب بر نقش، جایگاه و رسالت انقلابی «جوانان مؤمن، دانا و کاردان» بخصوص در جهت عبور از چالش‌های پیرامون انقلاب و نظام، امر روشنی است که با مروری گذرا بر مفاد آن آشکار می‌گردد. نمونه‌اش هم انتخاب حجت‌الاسلام شعبانی به امامت جمعه همدان». کاربر دیگری نوشته است: «انتخاب کسی که پیش از سن ۴۰ سالگی به مقام اجتهاد رسیده است به عنوان امام جمعه همدان یعنی اوج شکوفایی انقلاب اسلامی ایران در گام دوم انقلاب».

### تلنگر به مسئولان

امام جمعه جدید همدان ۴۱ ساله است، اما باوجود سن کم، دکترای فقه و اصول و کارشناسی ارشد حقوق دارد و از استادان بنام حوزه علمیه قم و جامعه‌المصطفی(ص) به حساب می‌آید. این انتخابِ شایسته حسابی به مذاق جوانان همدانی خوش آمده است و خیلی هایشان اعلام کرده‌اند برای حمایت از امام جمعه جوان شهرشان صف‌های نماز جمعه را پر خواهند کرد. یکی از جوانان همدانی نوشته است: «انصافاً جوونای همدان باید در نماز جمعه این هفته چند صف اول رو تشکیل بدن تا حداقل یه گام کوچک برای پشتیبانی از این حرکت جوانگرایی آقا برداشته باشند».

این درست که جوانگرایی در میان ائمه جمعه توسط رهبری کار بسیار پسندیده‌ای است و سبب می‌شود جوانان براحتی با امامان جمعه شهرشان ارتباط برقرار کنند و متقابلاً امامان جمعه جوان هم از نیازهای روز جوانان شهر با خبر شوند که این دوعامل موجب می‌شود روابط متقابل و سازنده‌ای میان جوانان و ائمه جمعه شکل بگیرد، اما به نظر می‌آید هدف رهبری از پیشقدم شدن در جوانگرایی تنها در این موارد خلاصه نمی‌شود. روشن است که رهبر انقلاب قصد دارند با این انتخاب‌ها به مسئولان تلنگر بزنند که جوانانی مثل حجت الاسلام والمسلمین شعبانی در گوشه و کنار ایران کم نیستند. جوانانی که اگر به آن‌ها میدان داده شود، می‌توانند با تصمیمات جهادی شان اهداف اصلی بیانیه گام دوم انقلاب را پیاده سازی کنند. این تلنگرها شایدها به برخی از مسئولان یادآوری کند بیانیه گام دوم انقلاب فقط برای شعار دادن، چاپ شدن در بروشور و پست گذاشتن در اینستاگرام صادر نشده و این بیانیه زمانی ارزشمند است که به آن عمل شود.

## خواندنی

### مدرسه‌سازی سردار اسعد بختیاری

تاریخ انقلاب مشروطه به نوعی با نام سردار اسعد بختیاری عجین شده است و در جریان تحولات انقلاب مشروطه، وی خدمات نظامی، سیاسی و فرهنگی شایانی را به انقلاب مشروطه انجام داد.

در کنار فعالیت‌ها و تلاش‌های علمی و پژوهشی سردار اسعد بختیاری، یکی دیگر از دغدغه‌ها و دلمشغولی‌های سردار اسعد، مسائل فرهنگی و آموزشی بود. او علاقه و توجه بسیاری به تعلیم و تربیت کودکان ایرانی نشان می‌داد.

وی در نخستین مجلسی که در سال ۱۳۱۶ق/ ۱۸۹۸ میلادی برای ترویج و گسترش معارف تشکیل شد، حضور داشت. در سال ۱۳۲۹ ق/ ۱۹۱۱ میلادی نیز برای تأسیس مدرسه صنایع مستظرفه (مدرسه نقاشی) به کمال‌الملک و حکیم‌الملک کمک کرد و مجوز واگذاری قسمتی از اراضی باغ نگارستان را برای ساختن این مدرسه همراه مبلغ زیادی پول از مجلس شورای ملی گرفت. وی حتی در نامه‌ای به وزرات مالیه اطلاع داد که مبلغ ۵۰۰ تومان حقوق ماهیانه خود را برای گسترش معارف و تأسیس مدارس در تهران اختصاص داده است.

سردار اسعد پیش از مشروطیت نیز در میان خوانین و رؤسای ایلات ایران، یگانه کسی بود که دبستانی به شیوه جدید در بختیاری تأسیس و مردم را تشویق کرد که اطفال خود را برای تحصیل به دبستان نوبنیان وارد کنند.

## زنگ کتاب

### این پول ها خوردن ندارد!

از ژاندارمری استعفا داده و آمده بود کنار خیابان بساط پهن کرده و وسایل می‌فروخت. بهش گفتند: آقا تو که نانت توی روغن بود، چه شده از کارت دست کشیدی؟ نگفت؛ اصرار کردند، نمی‌گفت.

پس از مدت‌ها اصرار یک وقت گفت: هر چه بوده، مربوط به آن سید – آیت‌الله العظمی مرعشی (قدس سره)- است.

شب‌های جمعه من را می‌فرستادند جلو حرم حضرت معصومه(س) برای اینکه نگذارم این اتوبوس‌هایی که از اقصی نقاط ایران می‌آیند، پارک کنند و ترافیک ایجاد شود. شب جمعه‌ای رفتم، یک اتوبوس آمد و ایستاد.

رفتم جلو گفتم آقا برو. راننده از آن راننده‌های زرنگ و دغل‌باز بود. سریع پایین پرید. یک پنج تومانی گذاشت کف دستم، تا پنج تومانی را کف دستم دیدم، گفتم حالا وایستادی، اشکال ندارد، کنار حرم هم خواستی اتوبوس را پارک کن... کسی ما را ندیده بود.

یک ساعت مانده به اذان صبح، طبق معمول آیت‌الله العظمی مرعشی، عبا به سر کشیده می‌آمد به حرم حضرت معصومه(س). آقا همیشه نماز شبش را توی حرم حضرت می‌خواند.

هر بار که آقا به طرف حرم می‌آمد، من به او سلام می‌کردم و ایشان از آن طرف خیابان، جواب من را می‌داد و می‌رفت، اما این دفعه که می‌خواست از خیابان رد شود، من به او سلام کردم، دیدم آقا راهش را کج کرده به طرف من می‌آید. گفتم: آقا جان امری دارید؟

گفت: جلو بیا - اولیا خدا همه چیز را می‌دانند، اما آبرو را نمی‌برند - رفتم. گفت: دستت را بده. یک پولی را در دست من گذاشت و گفت: پسر جان این پول را بده زن و بچه ات بخورند.

آن پنج تومانی که گرفتی خوردن ندارد. آن را به زن و بچه ات نده! گفتم: آقا جان شما از کجا خبر دارید؟ گفت: فکر می‌کنید دیگران از کارهایی که انجام می‌دهید خبر ندارند.

اگر بنا باشد آقای مرعشی از کارهای دیگران خبر داشته باشد، آیا حضرت ولی عصر(عج) خبردار نمی‌شود؟!

از کتاب رازقیت خالق، نوشته اسماعیل صدیقی

## پیشنهاد سفر

درباره امامزاده سلطان سید عباس(ع)
و دیگر دیدنی‌های بجنورد

### صحن و سرای حرم معصوم‌زاده

**حسین رسول زاده-** سایه امامـــزاده روی سر همسایه‌هاست. از پنجره خانه‌ها می‌شود گنبد فیروزه‌ای حرم امامزاده را دید؛ امامزاده‌ای که محل رفت و آمد همه بجنوردی‌هاســـت. شب‌های شـــهادت، اهالی در صحن امامزاده شمع روشـــن می‌کنند و روزهای ولادت صحن امامزاده، محل نذری پزان بجنوردی‌هاست.

امامزاده سلطان ســـید عباس(ع) یا آن طور که بجنوردی‌ها می‌گویند، «معصوم زاده»، قرن‌هاســـت که میهمان بجنوردی‌ها شده است. بسیاری از اهالـــی بجنورد صبحشـــان را با ســـلام به امامزاده و تماشـــای گنبد فیروزه‌ای رنگش شـــروع می‌کنند. امامزاده سلطان سیدعباس(ع) بنا به روایتی فرزند امام موسی کاظم(ع) و برادر امام رضا(ع) است که در دوره حکومت بنی‌عباس از مدینه به خراسان آمده است. او در اواخر سده دوم قمری در این شهر درگذشته و برای همیشه میهمان خراسان شده است. اگر در تعطیلات نوروز به شـــمال خراسان رفتید، شهر بجنورد و زیارت معصوم زاده‌اش را فراموش نکنید.

**چطور برسیم؟**

بنای امامزاده در جنوب شـــهر بجنورد قـــرار دارد و تمام بجنوردی‌ها راه رسیدن به آن را خوب بلدند.

بعد از آنکه به بجنورد رســـیدید باید به سمت بلوار امام رضا(ع) یا همان بلوار کمربندی بجنورد بروید. در همین خیابان بعد از میدان آزادگان به میدان خرمشـــهر و بعد از آن به میدان دفاع مقدس می‌رسید. امامزاده سلطان سیدعباس(ع) در سمت چپ این میدان قرار دارد. البته به خاطر قرار گرفتن امامزاده بر بلندای یک تپه، از دور هم می‌توانید بنای امامزاده را ببینید و راهتان را پیدا کنید.

**چه‌می‌بینیم؟**

**گنبد:** یکی از بخش‌های جالب این امامزاده گنبد آن است که طرحش از گنبد مسجد گوهرشاد الهام گرفته شده و با خشت‌های آبی فیروزه‌ای و کتیبه‌ای به نام لااله الا الله زیبا شده است. با این تفاوت که گنبد حرم امامزاده کوچک‌تر از گنبد مسجد جامع گوهرشاد است.

بنای امامزاده: قدیمی‌ترین تاریخ موجود که در آن به تاریخ ســـاخت بنا اشاره شده، سال ۱۲۲۳ هجری قمری است که در آن سال بنا مرمت شده است. بنای اصلی امامزاده متعلق به دوره قاجاری است که در سال ۱۳۴۵ به طور کامل مرمت شـــده است. بنای اصلی امامزاده اتاقک چهارگوشی است که در وسط هر ضلع آن، یک ورودی قرار دارد.

ایوان و شبستان: بنای امامزاده دارای دو ایوان و دو شبستان است. در دو ســـوی ایوان شرقی که ورودی اصلی بنا هم هست، دو ستون برج مانند در گوشـــه‌های بنا ایجاد شده است. این دو ستون هم از دو مناره مسجد گوهرشاد اقتباس شده، هر چند قدشان آنقدرها هم بلند نیست. در نمای ایوان اصلی هم، کتیبه‌ای از کاشی معرق شامل آیه‌های قرآنی قرار دارد.

امامـــزاده یک ایوان غربی هم دارد که کوچک‌تر از ایوان اصلی اســـت و معمولاً از آن برای ورود و خروج استفاده نمی‌شود. در عوض ورودی‌های شمالی و جنوبی، ورودی‌های جداگانه آقایان و خانم هاست.

ضریح امامزاده: داخل بقعه، ضریح مســـتطیل شـــکلی قرار دارد که سه محراب مشبک در پیش رو و پشت سر امامزاده دارد و دو محراب مشبک هم در بالاســـر و پایین پا آن قرار گرفته است. سنگ قبر هم با یک لوح در وسط ضریح قرار دارد که عبارتی به عربی روی آن حک شده است.

**کجابگردیم؟**

می‌توانید بعد از اتمام زیارت برای گردش در دیدنی‌های شهر راه بیفتید. بجنورد دیدنی‌های طبیعی و تاریخی فراوانی دارد. بخشی از آن دیدنی‌ها، این‌ها هستند.

**عمارت مفخم:** عمارت مفخم، دارالحکومه بجنورد در روزگار ناصرالدین شاه و در زمان حکمرانی یارمحمدخان شادلو معروف به سردار مفخم بوده است. عمارت مفخم، آیینه‌خانه، حوضخانه، کلاه فرنگی و ۳۴ اتاق دارد. ورثه ســـردار مفخم این بنای قاجاری را در سال ۱۳۲۰ به اداره بهداری بجنورد واگذار کرده‌اند تا بیمارســـتان شهر باشد. این بنای تاریخی حالا در کنار بیمارستان اصلی شهر قرار دارد. نقشه ساختمان را میرزا مهدی خان شقاقی ممتحن الممالک، نخستین آرشیتکت ایرانی کشیده است.

**بابا امان:** گردشگاه بابا امان، همان ابتدای جاده بجنورد به مشهد قرار دارد. پوشش گیاهی مناسب، بابا امان را به جنگل تبدیل کرده است. گردشگاه بابا امان، چایخانه، نمازخانه و رستوران هم دارد. قبر امامزاده اسماعیل هم که یکی از فرزندان امام هفتم(ع) است، در همین پارک قرار دارد.

**بش قارداش:** بش قارداش یک پـــارک بزرگ جنگلی در ۶ کیلومتری بجنورد اســـت. آب مجموعه از چند چشـــمه تأمین می‌شود. در حاشیه حوض اصلی پارک، مقبره خانوادگی حکمرانان قاجاری شـــهر قرار دارد. بنا از یک گنبدخانه در وسط و دو اتاق کوچک‌تر در طرفین تشکیل شده است. این مقبره به دستور ناصرالدین شاه قاجار ساخته شده و قبر سردار مفخم هم در همین بنا است.

**کوشک باغ علی‌آباد:** باغ علی‌آباد، یک باغ ایرانی است در حاشیه شهر بجنورد. وسط این باغ یک کوشک قرار دارد که اقامتگاهی تابستانی در دوره قاجار بوده اســـت. کوشک باغ علی‌آباد چند سالی است که از ویرانی نجات یافته و مرمت شده است. سردار مفخم از این کوشک، به شکار می‌رفته است.

**کاروانسرای سبزه میدان:** کاروانسرای سبزه میدان مثل خیلی دیگر از آثار تاریخی بجنورد، مال عهد ناصری است. کاروانسرای سبزه میدان یک حیاط مرکزی دارد با ۳۴ حجره در اطرافش. حمام سبزه میدان هم یک حمام سنتی است که می‌شود در آن شیوه استحمام را در ۱۰۰ سال پیش دید.

روایتی از مسابقات کشتی باچوخه که ۱۴ فروردین، کشتی‌گیران را از سراسر ایران به اسفراین می‌کشاند

# پهلوان‌های گود زینل خان

| مردم/ حســـن احمدی فرد | جاده بجنورد به اســـفراین، یک جاده پیچ در پیچ کوهستانی اســـت؛ از آن جاده‌ها که گاهی از وسط رودخانه رد می‌شود و گاهی از نوک کوه. کوه‌های منطقه پوشـــیده از درختان ارس است و جاده که سربالا می‌رود، درخت‌های ارس را می‌شود دید که جا به جا، قد کشیده‌اند.

اسفراین شهر کوچکی اســـت. یک طرفش کوه اســـت، یک طرفش دشت. شهری با خیابان‌های شبیه به هم که درخت‌های کهنسال روی آن‌ها سایه انداخته است. در روزهای آغاز سال، پارچه نوشته‌هایی که همه‌شـــان جایی در منتهی‌الیه غربی شـــهر را نشـــان می‌دهند، این شباهت را بیشتر هم می‌کند. همه مسافرهایی که آن روزها وارد اسفراین بشوند، حتماً سراغ همان آدرسی را می‌گیرند که پارچه نوشته‌ها نشان می‌دهد.

اگر همه مـــردم ایران، تنهـــا ۱۳ فروردین را در کوه و دشـــت و دامن طبیعت می‌گذرانند، مردم اســـفراین، ۱۳ و چهارده‌شـــان را بیرون از خانه، در تپه‌های غربی شهر ســـپری می‌کنند. آن‌ها، زن و مرد، فرش و ســـفره و استکان و قوری‌شان را بـــر می‌دارند تا به جای یـــک روز، دو روز را در دامن طبیعت باشند. اسفراینی‌ها همپای دیگرانی که هر سال از سرخس، تربت جام، مشهد، قوچان، بجنورد، گرگان و ده‌ها شهر دیگر می‌آیند، ۱۳ و ۱۴ فروردین را در محلی می‌گذرانند که ســـال‌ها قبل چشمه‌ای در آن جاری بوده است. چشمه‌ای به نام «زینل خان». هیچ کس، حتی پیرمردهای اسفراینی هم نمی‌دانند زینل‌خان کی بوده و چرا اسمش روی این منطقه مانده است.

فرقی نمی‌کند اسفراینی باشی یا مسافری که از شهری دیگر آمده است، چشمه زینل‌خان جای مناسبی برای کفش‌های واکس خورده نیست. این چشـــمه حالا به جای آب، تا دلت بخواهد، خاک دارد. خاک نرم، همه راه را پر کرده است. جمعیت آرام آرام خود را به بالای تپه می‌رسانند. جایی که دورنمای شهر اسفراین، کوه‌های پشت سر و دشت پیش رو را می‌شود با هم دید.

بالای تپه هم اثری از چشـــمه نیست؛ آن چه از چشمه زینل خان باقی مانده، گودال بزرگی است که ردیف سکوهای سیمانی، مثل پله‌هایی تا پایین آن کشیده شده. مردهای تماشاچی، از صبح اول وقت، آمده‌اند و روی ســـکوها نشسته‌اند؛ منظَم و آرام. زن‌ها هم یا همان بالای گود، جایی که رفت و آمد آسان‌تر است مانده‌اند، یا در تپه ماهورهای اطراف، بساط چای و قابلمه غذا را روبه‌راه کرده‌اند، تا مردان خانواده که از تماشـــا خسته می‌شوند، بتوانند گلویی تازه کنند.در وسط گود اما مردانی که می‌خواهند دست و پنجه نرم کنند، فرصتی برای گلو تازه کردن ندارند. آن‌ها هر طور شده باید شانه‌های حریفشان را به خاک‌های نرم وسط گود برسانند، آن وقت شاید بتوانند نفسی چاق کنند.

### کشتی با چوخه، کشتی خراسانی‌ها

«کشـــتی با چوخه» همان سنت ریشه‌داری است که هر سال، اول بهار، اسفراینی‌ها را به گود چشمه زینل‌خان می‌کشـــاند تا پهلوان سال را مشخص کننـــد؛ پهلوانی که خیلی زود اســـمش در همه شهرها و روســـتاها، از سرخس و تایباد گرفته تا گناباد و بیرجند، و از درگز و کلات گرفته تا کلاله و گرگان خواهد پیچید.

۱۳و۱۴ فروردین، علاوه بر سکوهای سیمانی گود چشمه زینل خان، تپه‌های اطراف هم پوشیده از خانواده‌هایی است که آمده‌اند تا روزشان را در کنار مردانشان، شب کنند.

«چوخه» همان «چوخا» است و چوخا، لباس نیم تنه‌ای بوده که روستایی‌ها از پشم حیوانات خانگی می‌بافتند تا از سرما و آفتاب در امان باشند.

چوخا بافی، هنـــوز هم در بخش‌هایـــی از ایران مرسوم است. البته چوخاهای امروزی به جای پشم بز و گوسفند، با الیاف کارخانه‌ها بافته می‌شوند، اما همان استحکام قدیم را دارند.

کشتی با چوخه، کشتی خراسانی‌هاست. در بیشتر شـــهرهای خراســـان، گودهایی مثل همین گود چشـــمه زینل خان وجود دارد که کشتی گیرها، روزهـــای تعطیل، آنجا جمع می‌شـــوند و با هم کشتی می‌گیرند. در این میان، چشمه زینل خان، پرســـابقه‌ترین گود خراسان اســـت. قهرمان‌های فراوانی از خاک‌های نرم این گود، به ســـکوهای قهرمانی جهان رســـیده‌اند. همین است که این گود، محل قرار همه اسفراینی‌هاست.

۱۳ فروردیـــن، کشـــتی گیرهای اســـفراینی در گود چشـــمه زینل خان با هـــم رقابت می‌کنند، تا پهلوان‌های شـــهر را برای مسابقات چهاردهم مشخص کنند، ۱۴فروردین، پهلوان‌های اسفراینی باید با پهلوان‌هایی که از شـــهرهای دور و نزدیک اطراف آمده‌اند، کشتی بگیرند.

برای اهالی اســـفراین البته هیچ فرقی نمی‌کند، آن‌ها عاشق تماشای کشـــتی هستند و ۱۳و۱۴ فروردین را در گود چشمه زینل خان می‌گذرانند؛ هرچند کشـــتی‌های ۱۴ فروردین، کشـــتی‌های مهم‌تری اســـت، چون پهلوان اول را مشـــخص می‌کند. برای همیـــن، همه از اول صبح می‌آیند تا جای مناسبی در گود برای خودشان دست و پا کنند. آن‌ها می‌دانند اگر دیر بجنبند باید کشتی‌ها را در بالای گود، آن هم ایستاده، تماشا کنند. پیدا کردن جایی برای نشستن آن هم وقتی ۷۰ هزار نفـــر در گود زینل خان از ســـر و کـــول هم بالا می‌روند، کار آسانی نیست.

همه این ۷۰ هزار تماشـــاچی گود، یا کشتی‌گیر بوده‌اند، یا کشتی‌گیر هستند یا کشتی گرفتن را دوست دارند. آن‌ها مشتری همیشگی کشتی‌های گود هستند. قدیمی‌های اسفراین یادشان می‌آید که قدیم‌ها گود هم این قدر مرتب نبوده است. گود زینل خان یک گودال طبیعی بوده و تماشاچی‌ها باید روی خاک و ســـنگ دامنه‌های شـــیب آن می‌نشسته‌اند، کشتی‌گیرها هم آن پایین، کشتی می‌گرفتند. حالا البته چند سالی می‌شود که برای گود، سکوهای سنگی و سیمانی درست کرده‌اند؛ تا گود زینل خان بیشتر از هر وقت دیگری شبیه ورزشگاه آزادی بشود؛ هر چند ورزشگاه آزادی هم این قدر تماشاگر ندارد. آن زمانی که تماشاگرها از در و دیوار ورزشگاه بالا می‌رفتند، تمام شد؛ حالا فقط گود زینل خان است که این همه تماشاگر دارد.

### صدف‌های دریای خزر و آبنبات‌های بجنورد

چوخه، کشتی پهلوان‌ها اســـت و آیین پهلوانی، هنوز هـــم در این زمین‌های خاکی زنده اســـت. چوخه کارها معتقدند که پهلوان‌های شاهنامه هم همین طور کشتی می‌گرفته‌اند. در نبرد رستم و سهراب آمده که:

به کشتی گرفتن نهادند سر
گرفتند هر دو دوال کمر

دوال کمر همین شـــالی اســـت که چوخه کارها می‌بندند. نیز در همان نبرد آمده:

زدش بر زمین بر به کردار شیر
بدانســـت کو هم نماند به زیر رستم حریفش را با زمین زدن، شکســـت می‌دهد که باز در کشتی چوخه هـــم همین طور اســـت. با همـــه این‌ها نمی‌شـــود به طور دقیق، کشتی چوخه را همان کشتی اساطیری ایران زمین دانست.

همه کشتی‌ها به هم شـــبیه هستند. در بیشتر ورزش‌هـــای قدیمی، زمین خـــوردن و به خاک افتادن، نشانه شکست است.

با این وجود، همیشه بهترین کشتی گیرهای آزاد و فرنگی، چوخه کارها بوده‌اند. بهترین فنون لنگ، مال چوخه کارهاســـت. حالا دیگر از فن خبری نیست. اصلاً دیگر چوخه هم چوخه قدیم نیست. آن وقت‌ها چوخاها بلندتر بود، آســـتین بلندتری هم داشت. خیلی از فن‌ها روی همین لباس انجام می‌شـــد. وزن کشی هم نبود. حریف ۶۵ کیلویی می‌توانست با ۹۵ کیلویی هم کشتی بگیرد.

کشتی بهانه‌ای است تا چندین هزار خانوار، برای ساعاتی در کنار هم باشند. فروشنده‌های دوره گرد هم این بازار پر مشـــتری را از دســـت نمی‌دهند. ۱۳و۱۴ فروردین، اطراف گود چشـــمه زینل خان پر است از فروشنده‌های دوره گردی که همه چیز می‌فروشند؛ از شیر مرغ گرفته تا جان آدمیزاد. در اطراف گود، هم شال زنان ترکمن پیدا می‌شود، هم نان روغنی شمال خراسان؛ صدف‌های دریای خزر و آبنبات بجنورد هم هســـت. نوشابه‌های خنک و ساندویچ‌های ارزان قیمت هم که مشتری خودشان را دارنـــد. اما کاســـه‌های ۵۰۰۰ تومانی آش دوغ شیروان، تماشاچی‌های گود زینل خان را وسوسه می‌کند تا نهارشـــان را، هر چه که هست، همراه یک کاسه آش صرف کنند.آفتاب اسفراین حتی در روزهای بهاری هم داغ است، اما داغ‌تر از آن، بازار کشتی‌هایی است که ۱۳و۱۴ فروردین وسط گود زینل خان انجام می‌شود.

## ۱۴ فروردین در گود زینل خان چه خبر است؟

مســـابقات کشـــتی در گود زینل خان، اول وقت شـــروع می‌شود. ساعت هشت صبح، بلندگوهای گود روشن می‌شود و مجری که جایی دور میدانگاهی وسط گود نشسته است، به تماشـــاچی‌ها، خوشامد می‌گوید. تماشاچی‌هایی که بین سکوها رفت و آمد می‌کنند، هم آرام آرام برای خودشان جایی دست و پا می‌کنند و مراســـم نظم می‌گیرد. ۶ ورزشکار در حالی که چوخا پوشـــیده‌اند وارد میدان می‌شوند. مربی‌ها و کشتی‌گیرهای پیشکســـوت دور تا دور میدان روی صندلی نشسته‌اند. مجری اسامی را می‌خواند و توضیح می‌دهد که در هر دور، سه کشتی همزمان اجرا خواهد شد. بعد مشخص می‌کند که در هر کشتی، کدام ورزشکار شال سفید می‌بندد و کدام ورزشکار، شال قرمز. شال‌ها دو رنگ است تا داورها بهتر بتوانند امتیاز بدهند. در کشتی چوخه هم مثل دیگر کشتی‌ها، اجرای فن است که امتیاز دارد. قدیم‌ها البته این طوری نبوده اســـت. آن وقت‌ها دو پهلوان آن قدر کشتی می‌گرفته‌اند تا سرانجام، پشت یکی‌شان به خاک می‌رسید و کار تمام می‌شد. داورها بنا به رســـم کشـــتی چوخه، گره شـــال‌ها را محکم می‌کنند. بعد، لبه پایین چوخا را برمی گردانند و پست سر کشتی گیر از زیر شال، عبور می‌دهند و می‌کشند تا لبه‌های لباس کشتی‌گیر جمع بشود. هر کدام از داورها هم یک وقتی برای خودشان کشتی‌گیرهای قدری بوده‌اند.

کشتی‌گیرها زمین را می‌بوســـند و وارد میدان می‌شوند. بر خلاف کشتی آزاد، که دو کشتی‌گیر، بیشتر روی سر و شانه هم کار می‌کنند، چوخه‌کارها سعی می‌کنند با استفاده از شال حریف و لباســـش، او را خاک کنند؛ یعنی شانه‌هایش را به خاک برسانند. وقت کشتی هم ۱۰ دقیقه است که اگر در این ۱۰ دقیقه، هیچ شانه‌ای به خاک نرسید، دو پهلوان ۵ دقیقه دیگر با هم رقابت می‌کنند. کشتی‌ها که تمام بشود، پهلوان اول هم مشخص شده اســـت؛ که برنده اصلی رقابت‌هاست. کشـــتی‌های گود زینل خان پهلوان دوم و ســـوم هم دارد. بهترین جایزه که بیشتر وقت‌ها یک نفر شتر است، به پهلوان اول می‌رسد و جایزه‌های بعدی برای پهلوان‌های دوم و سوم. برای عاشـــقان کشتی چوخه، جایزه تنها بهانه‌ای است برای کشتی گرفتن.

کشتی‌ها که تمام بشود، خیلی طول نمی‌کشد تا مراسم اعطای جوایز شروع بشود. دیگر از آن نظمی که همه روز، تماشاگرها را روی سکوها نشانده، هم خبری نخواهد بود. همه دوست دارند آخر کاری، در کنار قهرمان‌ها باشـــند. بازار عکس گرفتن هم معمولاً حسابی شلوغ است.چند تا پهلوان پیشکسوت، جوایز پهلوان‌ها را به آن‌ها می‌دهند. نفر سوم معمولاً یک قوچ نصیبش می‌شـــود و جایزه نقدی. نفر دوم هم یک قوچ می‌برد و مبلغ جایزه‌اش را. این همه آن چیزی است که پهلوان‌ها برای دو روز کشتی گرفتن نصیبشان می‌شود. دو پهلوان معمولاً به نشانه قدرتمندی، قوچ‌هایشـــان را بلند می‌کنند و می‌گذارند روی شانه‌هایشان. پهلوان اول اما فقط می‌ایستد و تماشا می‌کند. او با آنکه همه حریف‌هایش را در گود چشمه زینل خان شکست داده و تا سال بعد، پهلوان اول کشتی چوخه است، اما باز هم آن قدر قدرت ندارد که شتر جایزه‌اش را بگذارد روی شانه‌هایش.

## چطور می‌توانیم گود زینل خان را جهانی کنیم؟

«هادی عامل» هم کشتی‌گیر چوخه‌کار بوده است. هنگامی که ۲۲ سال داشته به عضویت تیم ملی کشتی آزاد درآمده، اما آســـیب دیدگی نگذاشـــته در گود باقی بماند. او حالا سال‌هاســـت به کار گزارشگری مشـــغول است و صدایش برای همه علاقه‌مندان کشتی، آشناست. او چند سالی است که مســـابقات گود زینل خان را گزارشـــگری می‌کند. این مسابقه‌ها معمولاً از یکی دو شبکه سراسری هم به صورت زنده پخش می‌شود.

هادی عامل گود زینل خان را از سال‌های دور می‌شناسد. گزارشگر مشهدی مسابقات کشتی، می‌گوید: «نخستین بار سال ۴۲ مرحوم «منوچهر لطیف» به طور رسمی مسابقات کشتی با چوخه را در همین گود راه اندازی کرد. تا قبل از آن، چوخه را یک کشتی روستایی می‌دانستند.

لطیف، خودش اهل شـــیروان بود، کشتی‌های خوبی هم می‌گرفت و در رقابت‌های کشتی آموزشگاه‌های کشور دو بار قهرمان ایران شد.

یک بار هم در رقابت تیم استان خراسان و تیم ملی ژاپن، روی تشک رفت و با حریف ژاپنی کشتی گرفت. خبرنگاری هم می‌کرد. ۵۰ سال برای کشتی قلم زد. او بود که کشتی چوخه را سر و سامان داد.

مســـابقات را راه انداخـــت و قهرمان‌هـــای چوخـــه را به میدان‌های ورزشی معتبر برد.

هادی عامل کشـــتی با چوخه را یک عنصر هویتی و یک سنت ریشه‌دار می‌داند و می‌گوید: کشتی با چوخه ورزشی اســـت که به خود ما تعلق دارد؛ از پدرانمان به ما رسیده و ورزشی وارداتی نیست.

وی در عین حال با تأکید بر لزوم جهانی شـــدن کشتی با چوخه می‌افزاید: کشتی با چوخه دارای یک سری مقررات اختصاصی اســـت که در خراسان طرفداران زیادی دارد، اما طبیعتاً وقتی ما بخواهیم ورزشـــی را در سطح بین‌المللی مطرح و شناسنامه هویتی خود را عرضه کنیم باید برای آن سرمایه‌گذاری کنیم.

وی می‌گوید: به عنوان مثال در المپیک ۱۹۶۴ توکیو وقتی ژاپنی‌ها می‌خواســـتند جودو را بـــه المپیک معرفی کنند ســـال‌ها کار کردند. تنها در یک مورد، ژاپن مجموعه‌ای از مربی‌ها و تاتامی‌ها را به کشورهای دنیا فرستاد؛ ما هم اگر می‌خواهیم ورزشـــی را به دنیا معرفی کنیم باید بیشتر از این‌ها تلاش کنیم.

عامل با بیان اینکه کشتی با چوخه نکات مثبت زیادی دارد تصریح می‌کند: اگر بخواهیم این مسابقات را جهانی کنیم باید فضای گود زینل خان مدرن‌تر شود؛ همچنین باید از تجهیزاتی مانند اسکوربرد، زمان‌سنج و... استفاده کنیم.

نظم ســـازمانی دیگر مؤلفه‌ای است که هادی عامل به آن اشاره می‌کند و می‌گوید: تیم‌ها از قبل اسامیشان را بدهند؛ هر تیم در هر وزن فقط باید یک کشتی گیر داشته باشد و مراسم وزن کشی قانونمند برگزار شود.

وی تأکید می‌کند: در گود زینل خان تا می‌توانیم باید سعی کنیم همه چیز طبق استانداردهای بین‌المللی انجام شود.

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام نخاولی در حال و هوای زیارت رجبیه

# ماه رجب مطلع فصل عبادت است

معارف/ مریم احمدی شیروان

أین الرجبیون؟ در صحرای محشر ندا می‌آید کجایند اهل رجب؟ کجایند آن طالبان لقای حبیب که این ماه را محترم شمرده و اعمالی از آن را انجام داده‌اند؟ ماه رجب، ماه خداست و مقدمه‌ای برای ورود به فصل عبادت شعبان و رمضان. ماهی برای سبز شدن و جوانه زدن، فرصتی برای معتکف کوی عشق شدن و خلوت کردن با خدای خویش و پا به پای امداوود، زیارت رجبیه را زمزمه کردن؛ زیارتی که منسوب به امام زمان(عج) است؛ محتوایی بسیار غنی دارد و خواندن آن در مشاهد مشرفه توصیه شده است. زیارت رجبیه با حمد و سپاس خدای بزرگ شروع شده و در ادامه آن از خداوند تقاضا می‌کنیم ما را به مقامی برساند که در بهشت و «دَارِ الْمُقَامَةِ وَ الْخُلْدِ» همراه ائمه(ع) باشیم؛ همراهی و طلبی برای رسیدن و درک بهتر شب‌های قدر. از این رو و به منظور بررسی محتوای این زیارت با حجت‌الاسلام دکتر مهدی نخاولی؛ محقق و پژوهشگر علوم دینی به گفت‌وگو نشستیم که از نظر می‌گذرانید:

### ماه وزیدن نسیم رحمت از سمت خداوند

ماه رجب را ماه خدا می‌دانیم. ماهی برای عبادت، آمرزش و مغفرت. در این ماه خداوند اولیا و محبانش را می‌آمرزد، توبه آنان را می‌پذیرد و از دشمنان می‌رهاند. حجت الاسلام نخاولی درباره علت اهمیت داشتن این ماه می‌گوید: هفتمین ماه از سال قمری «رجب» نام دارد که از میان سایر ماه‌ها تنها و بدون ائتلاف با ماه‌های دیگر از حرمت و قداست زیادی برخوردار است. این ماه یکی از چهار ماهی است که با تعبیر حرم یعنی برخوردار از حرمت یاد شده و در آن قتل و کشتار حرام می‌باشد. او درباره علت این تفاوت می‌گوید: همان طور که مکان‌ها از نظر رتبه با هم یکسان نیستند، به طور نمونه حرم‌های اهل بیت(ع) و کعبه از نظر رتبه، تکمیل نفس و ارتقای وجودی با هم تفاوت دارند یا همان طور که خوردنی‌ها با هم متفاوت هستند، برخی طیب بوده و اثر وجودی در نفس انسان داشته و به سمت پاکی و طهارت هدایت می‌کنند؛ برخی زمان‌ها هم با زمان‌های مشابه دیگر متفاوت هستند. این پژوهشگر عنوان می‌کند: برخی از زمان‌ها مانند شب‌های قدر، سحر، بین‌الطلوعین و پیش از غروب در شبانه‌روز آثار ویژه‌ای دارند. در طول سال هم زمان‌هایی خاص مانند ماه‌های رجب، شعبان و رمضان، دهه اول ماه ذی‌الحجه یا زمان تولد ائمه(ع) و اعیاد خاص از حرمت بالاتری برخوردارند. یعنی این زمان‌های خاص، هنگام توجه به خداست. رسول اکرم(ص) نیز در روایتی فرموده‌اند: در ایام عمر شما نسیم‌های رحمتی از جانب خدا می‌وزد. حواستان باشد که خود را در معرض آن‌ها قرار دهید، زیرا ممکن است همان نسیم شما را احیا کند.

### نعمت وجود اهل بیت(ع) بالاترین نعمت معنوی است

او تأکید می‌کند: یکی از مصادیق این زمان‌های خاص و پر برکت، ماه رجب است. ماهی که برای پاک کردن تن از گناهان، رها شدن و بال گشودن به سمت ملکوت اثر ویژه‌ای دارد. ماهی برای توجه به خدا، استغفار، رسیدگی به نفس، محاسبه و حرکت دوباره به سمت خویشتن خویش و وطن اصلی.

برش

**از بالاترین نعمت‌های معنوی، نعمت وجود اهل‌البیت(ع) است که عدل رسالت تعریف شده‌اند. به همین دلیل توفیق پیدا کردن برای زیارت حرم‌های مقدس این بزرگان آن هم در ماه رجب، نعمت بزرگی است که همان ابتدای زیارت به دلیل انجام آن از خدا سپاسگزاری می‌کنیم**

در نخستین فراز از زیارت رجبیه می‌خوانیم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَشْهَدَنَا مَشْهَدَ أَوْلِیَائِهِ فِی رَجَبٍ» یعنی سپاس خدا که ما را در ماه رجب در محضر اولیای خود حاضر کرد. این پژوهشگر درباره علت شروع این دعا با سپاسگزاری برخلاف بیشتر زیارات که با السلام‌علیک شروع می‌شود، توضیح می‌دهد: ذکر سپاس از خدا در نخستین جملات این دعا دلایل مختلفی دارد. اما به طور کلی می‌توان گفت از بالاترین نعمت‌های معنوی، نعمت وجود اهل‌البیت(ع) است که عدل رسالت تعریف شده‌اند. به همین دلیل توفیق پیدا کردن برای زیارت این بزرگان و حرم‌های مقدس آن‌ها و بقاع متبرکه امامزادگان آن هم در ماه رجب، نعمت بزرگی است که از همان ابتدای دعا به دلیل انجام آن از خدا سپاسگزاری می‌کنیم. به بیانی دیگر می‌توان گفت دوست داشتن انوار اهل بیت(ع) در قلب هر انسانی، شکر و حمد فراوان می‌طلبد که خداوند ما را به سمت این نعمت بزرگ رهنمون ساخته است.

### اثر ویژه واجبات اخلاقی در رشد شخصیت و استقرار ایمان

در فراز دیگر این زیارت و پس از تشکر خداوند می‌خوانیم: «وَ أَوْجَبَ عَلَیْنَا مِنْ حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَ» یعنی زیارت که یکی از حقوق اولیای الهی است، بر ما واجب شده؛ این در حالی است که زیارت را عملی مستحبی می‌دانیم. حجت‌الاسلام نخاولی در توضیح این فراز می‌گوید: باید بدانیم واجب و الزام دو سطح دارد. واجبات فقهی و حقوقی که پایه بوده و نماز، روزه، احسان به والدین و... را شامل می‌شود. در کنار آن واجبات اخلاقی نیز داریم که در رشد شخصیت و استقرار ایمان اثر ویژه دارد. مطلوب در دینداری نیز رسیدن به سطح ایمان است نه قبولی حداقلی. الزامات سطح ایمان واجبات اخلاقی است. مانند قرائت قرآن، زیارت اهل بیت(ع) و... این تأکید از این نظر عنوان شده است. او در ادامه و با تأکید بر اینکه زیارت امامان حق بزرگی است که آن‌ها بر ما دارند، تصریح می‌کند: در روایات داریم که کمترین حق امام، در زمان زنده بودن رسیدن به محضر اوست. پس از شهادت نیز به زیارت مرقد او رفتن، کمترین حقی است که آن‌ها بر گردن ما دارند. ضمن اینکه تمام ثمره این زیارت برای زائر است و آن‌ها نیازی به این زیارت ندارند.

### رجب، ماه غفران و استغفار است

حجت‌الاسلام نخاولی با اشاره به جایگاه ویژه ماه رجب در روایات و کلام معصومین(ع) یادآور می‌شود: رجب، ماه غفران و استغفار است. ماهی که رحمت خدا در آن، چنان جریان دارد که هر کس ذره‌ای قابلیت داشته باشد از رحمت سرشار الهی بهره می‌برد و این رحمت تمامی ندارد. به همین دلیل هم به این ماه رجب الاصب می‌گویند، یعنی ماهی پر از رحمت که گناهان در آن از بین می‌رود. این کارشناس امور دینی در پایان می‌افزاید: از ویژگی‌های مهم ماه رجب این است که ماه اولیای خداست و خداوند رحمت خاص خود را به اولیای خود داده است. ماه رجب مطلع فصل عبادت است و اگر کسی بخواهد در ماه مبارک رمضان شب قدر را درک کند، باید از این ماه به خوبی استفاده کرده باشد زیرا رجب مقدمه رمضان است. درک شب قدر نیز یک شبه حاصل نمی‌شود. می‌توان این درک را به موفقیت در کنکور تشبیه کرد. نمی‌شود که فردی در طول سال، بخصوص ماه‌های آخر درس نخواند و به این دل خوش کند که در جلسه کنکور حواس خود را جمع می‌کند. البته دقت در جلسه کنکور لازم بوده اما کسب آمادگی‌های قبلی هم قطعاً مهم است. اگر فردی می‌خواهد شب قدر را درک کند، باید از این ماه شروع کند. بازبینی، محاسبه، خویشتنداری، توبه، دعا، خواندن زیارت رجبیه و... بخشی از الزامات رسیدن به این مهم است.

---

گفت و گو

حجت‌الاسلام اسلامی:

# پرسش‌های فقهی دستگاه‌های دولتی متوجه حوزه است

**اندیشه:** پژوهش در حوزه‌های علمیه، موضوع گفت‌وگوی شبکه اجتهاد با حجت‌الاسلام دکتر رضا اسلامی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی است که به بهانه تأکید اخیر رهبر انقلاب مبنی بر خالی بودنِ جای نهادهای پژوهشی حوزوی در نهادهای تصمیم‌گیر و تصمیم‌سازِ کشور، صورت گرفته است. در ادامه بخشی از پاسخ‌های وی در این گفت‌وگو را با هم می‌خوانیم.

### طلبه باید بتواند دست به قلم شود

ما معمولاً پژوهش را در کنار آموزش به‌کار می‌بریم، آموزش مستقر بر کتاب‌های درسی و منابع مکتوبی است که دانشجو یا طلبه ما آن‌ها را می‌آموزد و بعد از طریق امتحان کتبی یا شفاهی یا نوعی دیگر از آزمون موفقیت این آموزش را ارزیابی می‌کند؛ آموزش به‌طور طبیعی متضمن نوعی پژوهش هست، ولی مراد ما از ترویج پژوهش و پژوهش‌محور کردن حوزه و طلبه‌ها، چیزی فراتر از این مقدار است؛ مراد این است که طلبه بتواند دست به نوآوری بزند؛ وارد قلمرو جدید بشود؛ نیازهای جامعه را پاسخ دهد؛ در پیشنهاد رساله قدم جدیدی بردارد و خلأیی از خلأهای علمی کشور را با کمک استاد راهنما حل کند؛ بنابراین ما احتیاج داریم که حوزه‌ها و محیط‌های علمیِ خود را به‌سوی پژوهش‌های ناظر به نیازهای روز سوق بدهیم. برای این کار باید در برنامه درسی حوزه کار عملی نیز در نظر گرفته شود و استادان نیز ضمن تدریس، جایی برای خلاقیت و جنبه‌های پژوهشی که طلبه می‌تواند به عهده بگیرد باز کنند و زمینه‌ای برای طلبه به وجود بیاورند که طلبه بتواند دست به قلم شود، بحث‌های جدید و شبهاتی که در فضای مجازی مطرح می‌شود و مربوط به رشته خودش است را بررسی کند و جواب دهد.

### باید مسائل جدید را با ادبیات جدید ارائه کرد

در گذشته، حوزه، محدود بود و امکانات کم بود؛ مجله علمی و پژوهشی نداشتیم؛ تقاضا نداشتیم و حفظ اصل کیان حوزه دغدغه اصلی مسئولان حوزه بود؛ ولی اکنون در وضعیتی هستیم که حکومت دینی داریم. فقه باید پاسخگوی مسائل روز باشد و دستگاه‌های دولتی پرسش‌های فقهی خود را متوجه حوزه می‌کنند. از طرفی چون حوزه متصدی امور جامعه شده است و خود را متعهد به پاسخگویی می‌داند، باید مسائل جدید را با ادبیات جدید ارائه کند و لازمه موفقیت در این امور، اهتمام جدی به امر پژوهش است.

وقتی طلبه‌ها در دستگاه‌های دولتی کار می‌کنند و با جامعه تعامل سازمانی دارند، باید سطح علمی آن‌ها معلوم شود. سطح علمی باید بر اساس آزمون و ارزیابی و نگارش باشد. این موارد اقتضا کرده است که پژوهش اهمیت پیدا کند؛ البته آموزش باید به شکل سنتی باشد، عمیق هم باید باشد و اصلاً پایه پژوهش حوزوی ما این است که کتاب‌های درسی ما خوب خوانده شود؛ این‌ها لازم است ولی کافی نیست، بلکه لازمه عصر ارتباط این است که طلبه بتواند با زبان روز صحبت کند و برای موفقیت در این کار باید دایره معلومات خودش را گسترش دهد و به نویسندگی مسلط باشد.

به طور مثال، همین نهج‌البلاغه‌ای که کتابی قدیمی به نظر می‌رسد را می‌دهیم آقای ازغدی و می‌گوییم برو در دانشگاه درس بده؛ ایشان چون شبهات روز، بستر فکری و درگیری‌هایی که در جامعه فکری حوزه و جامعه فکری دانشگاه وجود دارد را می‌داند، از همین نهج‌البلاغه پاسخ پرسش‌ها را درمی‌آورد؛ از همین نهج‌البلاغه فلسفه حکومت دینی و اصل عدالت‌گستری و نظریه عدالت را درمی‌آورد، از نهج‌البلاغه نظریه و مدل نظریه‌پردازی را استخراج می‌کند.

### آموزش در حوزه باید پژوهش‌محور باشد

ما نسبت به گذشته در امر پژوهش خیلی پیشرفت کردیم؛ نگارش مقاله و کتاب و پایان‌نامه نسبت به سابق، چندین و چند برابر شده است، ولی توقع ما بیشتر از این است، چرا این توقع محقق نمی‌شود؟ یک علتش طبیعی است؛ چون نیاز است سطح علمی طلاب بالا برود و با احاطه علمی دست به قلم بشوند و قرار نیست همه اقدام به نوشتن کنند. جشنواره علامه حلی، اقدام خوبی در راستای تشویق به نگارش است؛ البته در نگارش نباید سختگیری بی‌جا داشته باشیم، بلکه باید اجازه زمین خوردن بدهیم و مشوق‌ها را نیز افزایش دهیم. در حوزه، استادان پرتوقع هستند و می‌گویند طلبه یا نباید بنویسد یا اگر می‌نویسد باید پخته و قابل‌استفاده بنویسد؛ این سبب شده است که نگارش کم شود. از طرفی، آموزش ما نیز پژوهش‌محور نیست و استادان نیز متن‌محور هستند و با پژوهش بیگانه‌اند. این مشکل چرا به وجود آمده است؟ چون حوزه ما به پژوهش اهمیت نمی‌دهد و در مدیریت مدارس، جایگاهی برای پژوهش قائل نشده‌ایم. برای جبران این مسئله باید امتیازات قابل توجهی را برای پژوهش لحاظ کنیم. در کنار مشکلات ساختاری، خود پژوهش هم یک صعوبت و سختی دارد که سبب می‌شود طلبه‌ها کمتر به‌سوی آن حرکت کنند. باید توجه کرد که در امر پژوهش، رکود وجود ندارد، بلکه تحرک و پویایی وجود دارد ولی با توجه به نیازهای زیاد و هجوم سنگینی که از جانب بیگانگان متوجه ماست، احساس می‌شود کار قابل ملاحظه‌ای انجام نشده است؛ مثلاً اگر ما یک مقاله علمی تولید کنیم ده‌ها مقاله علیه ما تولید می‌شود؛ بنابراین این هجمه سنگین موجب شده است احساس کنیم کم‌کاری شده است.

---

یادداشت شفاهی

بخشی از صحبت‌های دکتر حسن بلخاری در مراسم بزرگداشت اقبال لاهوری

## اقبال به دنبال احیای اندیشه سیاسی اسلام بود

اقبال لاهوری یکی از برجسته‌ترین متفکران جهان اسلام بود که به دنبال احیای اندیشه اسلام در حوزه سیاست بود. او از شخصیت‌های متضلع و چندوجهی تاریخ اندیشه اسلامی است و در ابعاد مختلف سخن گفته، کتاب نوشته و عمل کرده و در صحنه سیاست قطعاً یکی از بنیان‌گذاران فکری پاکستان و بخش متفکر مسلمین در شبه‌قاره بوده و در زندگی‌اش در حوزه سیاست فعالیت‌های جدی داشته است، او همچنین در حوزه اقتصاد نخستین کتاب اقتصاد به زبان اردو را نوشته است. در روان‌شناسی دینی متأثر از خواجه پارسا بوده است. لاهوری از چهره‌های فوق‌العاده مهم شعر شبه قاره در جهان اسلام محسوب می‌شود. در مسئله عرفان نسبتی وجود دارد میان زندگی پرتلاطم لاهوری و زندگی سیاسی او و خوانشی که از کتاب فصوحات در منزل پدری ایشان بوده و ارادتی که شیخ محمد پدر ایشان به این کتاب داشته است. شیوه مبارزه سیاسی لاهوری را با جمال‌الدین اسدآبادی می‌توان مقایسه کرد و تفاوت او با جمال‌الدین در این حوزه قابل بررسی است. او در جایی گفته در باب هگل یکسری شیدایی‌هایی داشته و اعتراف می‌کند از هگل و گوته بسیار استفاده کرده است. به هر حال در حوزه‌های مختلف علامه اقبال عمل کرده و سخن گفته و آثاری از خود به جای گذاشته که از نظر من چندوجهی بودن ایشان از مهم‌ترین ویژگی‌های اقبال شناسی است. لاهوری همواره ارادت جاودانه به مولانا داشت و از مولانا که خودش جانش را تافته از امیرالمؤمنین(ع) می‌دانسته، تأثیر گرفته است. به دور از فتنه عصر کهن او و به دور از فتنه عصر دوران من، یقیناً مرحوم اقبال متأثر از جان شیدا و سرشار شعله‌گون حضرت مولانا بوده است. در احیای فکری در جهان اسلام و به تبع آن جنبش‌های دینی، سیدجمال‌الدین اسدآبادی و اقبال لاهوری از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. در سیدجمال الدین از فلسفه و عرفان به اندازه اقبال که در این وادی تسلط و اندیشه‌ورزی دارد چیزی نمی‌بینیم. یکی از عوامل اصلی این تأثیر در اقبال به این موضوع برمی‌گردد که آشنایی با ابن‌عربی فوق‌العاده برای او جالب توجه بوده است.

خبر

## انتشار بیست و سومین شماره فصلنامه «اسلام و مطالعات اجتماعی»

**مهر:** بیست‌وسومین شماره فصلنامه علمی پژوهشی «اسلام و مطالعات اجتماعی» مربوط به زمستان ۱۳۹۷ منتشر شد. این فصلنامه مقالات زیر را شامل می‌شود: «بررسی انتقادی بر ساخت معانی در تبارشناسی از منظر حکمت اسلامی» نوشته حسین سوزنچی، حسن عبدی، اصغر اسلامی تنها و حسین حاج‌محمدی؛ «ماکس وبر و بازسازی منطق استعلایی کانت در منطقِ تکوینیِ علم اجتماعی» به قلم سیدحمید طالب‌زاده و مهدی سلطانی؛ «فرایند شکل‌گیری و کارکرد هنجارهای اجتماعی از منظر قرآن و علم‌النفس فلسفی» اثر احمدرضا تحیری؛ «شیوه‌های انتقال ارزش‌های اجتماعی از منظر قرآن و حدیث» نوشته سیدمیرصالح حسینی جبلی؛ «بررسی تطبیقی جامعه‌پذیری سیاسی در حکومت صفوی و نظام جمهوری اسلامی» اثر محمدکاظم کریمی؛ «صورت‌بندی و تحلیل موقعیت‌سازهای کلیدی هرمنوتیکی در سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه خانواده» اثر احمد واعظی، نعمت‌الله کرم‌الهی، سیدمحمدحسین هاشمیان و حسین پرکان؛ «تحلیل پدیدارشناختی نمایش مصرف و سبک زندگی در شبکه‌های اجتماعی آنلاین (مطالعه موردی: کاربران اینستاگرام)» به قلم مهران سهراب‌زاده، مرتضی واحدیان و حسن پیری.

---

**آگهی ابلاغ دادخواست و وقت رسیدگی**

بدینوسیله به مهری اقبالی فرزند اسماعیل فعلا مجهول المکان ابلاغ می شود که آقای اکبر مقدم شاهرخت دادخواستی به خواسته الزام به تنظیم سند خودرو به طرفیت شما به حوزه یک شورای حل اختلاف دادگستری تایباد ارائه وبه کلاسه ۱/۹۷۰۳۸۲ ثبت و برای روز دوشنبه مورخه ۱۳۹۸/۲/۹ ساعت ۱۷/۳۰ وقت رسیدگی تعیین گردیده است درج می گردد شما می توانید قبل از رسیدگی به دبیرخانه شورای حل اختلاف شهرستان تایباد مستقر در مجتمع شعبه یک شورای حل اختلاف به نشانی تایباد خ شریعتی ساختمان انجمن حمایت زندانیان مراجعه و با ارائه آدرس جدید خود نسخه ثانی داخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر جهت رسیدگی در شورا حاضر شوید درصورت عدم حضور غیابا رسیدگی خواهد شد.۹۷۱۸۶۵۸ تاریخ انتشار : ۱۳۹۷/۱۲/۲۳

ابوالقاسم مظلوم
مسئول دفتر شعبه یک شورای حل اختلاف دادگستری تایباد

آگهی تحدید حدود اختصاصی قسمتی از املاک تایباد واقع در بخش ۱۴ مشهد
حوزه ثبتی تایباد سال ۱۳۹۷

**پیرو آگهی های شماره قبلی و بموجب ماده ۱۴ قانون ثبت تحدید حدود شماره های زیر بخش چهارده مشهد**

۲۵۱ اصلی اراضی مهروس
۵۴۸۳ فرعی ششدانگ یکباب منزل متصرفی خانم ثریا رحیم پور فرزند عبدالصمد
روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۱/۲۶ قبل از ظهر در محل انجام خواهد شد.
لذا بموجب ماده ۱۴ قانون ثبت املاک به صاحبان املاک و مجاورین شماره های فوق الذکر بوسیله این آگهی اخطار می گردد که در روز و ساعت مقرر بالا در محل حضور بهم رسانید ، چنانچه هر یک از صاحبان املاک یا نماینده قانونی آنها در موقع مقرر حاضر نباشند مطابق ماده ۱۵ قانون مزبور ملک مورد آگهی با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید حدود خواهد شد و اعتراضات مجاورین نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی و نیز صاحبان املاک که در موقع مقرر حاضر نبوده اند مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت فقط سی روز از تاریخ تحدید حدود پذیرفته خواهد شد و در اجرای تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده های معترضین میبایست از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت اسناد تایباد ظرف یکماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی لازم از مرجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نمایند. ۹۷۱۸۶۶۲
تاریخ انتشار : روز پنج شنبه ۱۳۹۷/۱۲/۲۳

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک تایباد
غلامرضا آقازاده

**رونوشت آگهی حصر وراثت**

خانم مینا عبدالهی پور فرزند جعفر و کبری دارای شناسنامه شماره ۸۸۵ به شرح دادخواست به کلاسه ۱۵۲۴/۹۷/۵ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان کبری فرویش فرزند رحیم و کیفیه به شناسنامه شماره ۶۱۸۶ در تاریخ۱۶/ ۱۰/ ۱۳۹۷ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه آنمرحوم منحصر است به:
۱-مینا عبدالهی پور فرزند جعفر و کبری بشناسنامه ۸۸۵ متولد ۱۳۶۴ فرزندمتوفی
۲-مریم عبدالهی پور فرزند جعفر و کبری بشناسنامه ۱۵۳۴ متولد ۱۳۶۲ فرزندمتوفی
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه ای از متوفی نزد وی باشد از تاریخ نشرنخستین آگهی ظرف یک ماه به این شورا تقدیم دارد و الا گواهی حصر وراثت صادر خواهد شد.۹۷۱۸۶۵۵
دفتر شعبه پنجم شورای حل اختلاف شهرستان ایلام

**آگهی ابلاغ اجرائیه کلاسه:۱/۲۸۶/۱۳۹۷۰۴۰۰۶۲۲۸۰۰۰(۹۷۰۰۳۱۵)**

بدینوسیله به علی اکبر دارابی فرزند محمد حسن به شماره شناسنامه ۳۴۶ و شماره ملی ۰۷۷۹۴۳۹۲۵۲ متولد ۱۳۳۴/۱/۸ و سکینه اسماعیلی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۶۴ و شماره ملی ۰۷۷۹۴۳۱۳۷۵ متولد ۱۳۳۳/۲/۱(وراث مرحوم جواد دارابی)بدهکاران پرونده کلاسه ۱۳۹۷۰۴۰۰۶۲۲۸۰۰۰۲۸۶/۱ که برابر گزارش مامور پست شناخته نگردیده اید ابلاغ می گردد که برابر سند ازدواج ۱۵۶۷۸-۱۳۷۹/۶/۲۹ دفتر ازدواج ۱۸ درگز بین شما و نجوا با انصاف مبلغ دویست و سی و دو میلیون و ششصد و بیست و نه هزار و ششصد و هشتاد و یک ریال بدهکار می باشید که بر اثر عدم پرداخت وجه بستانکار درخواست صدور اجرائیه نموده پس از تشریفات قانونی اجرائیه صادر و بکلاسه فوق در این اجرا مطرح می باشد لذا طبق ماده ۱۸/۱۹ آئین نامه اجرائی مفاد اسناد رسمی بشما ابلاغ می گردد از تاریخ انتشار این آگهی که تاریخ ابلاغ اجرائیه محسوب است فقط یک نوبت در روزنامه منتشر می گردد ظرف مدت ده روز نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام و در غیر این صورت بدون انتشار آگهی دیگری عملیات اجرائی طبق مقررات علیه شما تعقیب خواهد شد.۹۷۱۸۶۴۷
مدیر اجرا واحد اجرای اسناد رسمی درگز- ناصر حسن زاده

**آگهی ابلاغ اجرائیه کلاسه:۱/۱۳۹۷۰۴۰۰۶۲۲۸۰۰۰۲۷۹(۹۷۰۰۳۰۷)**

بدینوسیله به ایرج ملک پر فرزند محمد ولی به شماره شناسنامه ۴۰۳ و شماره ملی ۰۷۷۸۸۶۱۶۸۶ متولد ۱۳۵۳/۱/۱ بدهکار پرونده کلاسه ۱۳۹۷۰۴۰۰۶۲۲۸۰۰۰۲۷۹/۱ که برابر گزارش مامور پست شناخته نگردیده اید ابلاغ می گردد که برابر چک شماره ۱۳/۹۵۳۰/۹۹۴۵۱۵-۹۷/۹/۲۴ بین شما و فرزانه زارع مبلغ یکصد و نود ونه میلیون و نهصد ونود و هفت هزار و پانصد و پنجاه و نه ریال بدهکار می باشید که بر اثر عدم پرداخت وجه بستانکار درخواست صدور اجرائیه نموده پس از تشریفات قانونی اجرائیه صادر و بکلاسه فوق در این اجرا مطرح می باشد لذا طبق ماده ۱۸/۱۹ آئین نامه اجرائی مفاد اسناد رسمی بشما ابلاغ می گردد از تاریخ انتشار این آگهی که تاریخ ابلاغ اجرائیه محسوب است فقط یک نوبت در روزنامه منتشر می گردد ظرف مدت ده روز نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام و در غیر این صورت بدون انتشار آگهی دیگری عملیات اجرائی طبق مقررات علیه شما تعقیب خواهد شد.۹۷۱۸۶۵۱
مسئول واحد اجرای اسناد رسمی درگز
مدیر اجرا واحد اجرای اسناد رسمی درگز- ناصر حسن زاده

**موضوع: تحریر ترکه**

احتراما در خصوص کلاسه پرونده ۱۱۱۳/۹۷ ش۱۱۲ ح با موضوع تحریر ترکه خواهشمند است یک نوبت به مدت یک ماه در متن روزنامه منتشر گردد تا چنانچه ورثه یا نماینده قانونی، بستانکاران و مدیونین متوفی ( مرحوم ابادر خوش سیرت) فرزند حسین و کسان دیگری که حقی بر ترکه متوفی دارند در روز ۹۸/۱/۲۵ مقارن با ساعت ۱۵ در شورای حل اختلاف لالجین شعبه ۱۱۲ حاضر شوند.۹۷۱۸۶۴۴
شعبه ۱۱۲ شورای حل اختلاف لالجین

**رونوشت آگهی حصر وراثت**

نظر به اینکه خانم مریم رحمانی دارای شناسنامه شماره ۷۹۹ به شرح دادخواست به کلاسه ۴۰۸ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان جواد رحمانی به شناسنامه ۷۶۱۴ در تاریخ ۱۳۹۵/۳/۱۵ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به
۱- مریم رحمانی فرزند محمد حسین ش.ش ۷۹۹ ت.ت ۱۳۶۶/۹/۱۰ نسبت همسر مرحوم
۲- هانیه رحمانی فرزند جواد ش.ش ۵۷۴۰۱۷۰۳۸۹ ت.ت ۱۳۸۴/۷/۱۰ نسبت فرزند مرحوم
۳- یگانه رحمانی فرزند جواد ش.ش ۵۷۴۰۲۹۰۱۴۷ت.ت ۱۳۹۴/۶/۱۹ نسبت فرزند مرحوم
۴- طوعه رحمانی فرزند امیر ش.ش ۳۳ ت.ت ۱۳۴۱/۱/۳ نسبت مادر مرحوم
۵- محمد رضا رحمانی فرزند محمد تقی ش.ش ۴۹۷۷ ت.ت ۱۳۳۹/۶/۲ نسبت پدر مرحوم
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ق امور حسبی یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیت نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یکماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد . آ-۹۷۱۸۶۱۸
سید حسن سامغانی- قاضی شوراشعبه هفتم شورای حل اختلاف شهر خرو

اداره کل ثبت اسناد واملاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تربت جام

**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۰۶۰۰۷۰۰۱۴۰۹ -۹۷/۱۱/۱۰ هیات اول / دوم کلاسه ۹۷/۱۲۶ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ملک تربت جام تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای گل محمد صوفی جباری فرزند دین محمد بشماره شناسنامه ۲۲۷ صادره از تربت جام در یک باب منزل به مساحت۱۵۰ متر مربع پلاک فرعی از ۵۷۷ - اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۱۳ مشهد حوزه ثبت ملک تربت جام خریداری از مالک رسمی آقای دین محمد صوفی جباری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود و در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.۹۷۱۸۶۰۵
تاریخ انتشار نوبت اول:۹۷/۱۲/۲۳
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۸/۱/۱۷
سید مجتبی جواد زاده رئیس ثبت اسناد و املاک تربت جام

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۰۶۰۱۵۰۰۹۳۲۹ -۱۳۹۷/۱۱/۰۹ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تایباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای شیرمحمد پرنده رودی فرزند عبدالمجید بشماره شناسنامه ۴۸۲ صادره از تایباد در ششدانگ یکباب مغازه و طبقه فوقانی به مساحت ۱۴۴ متر مربع پلاک ۱۲۶۶ فرعی از ۲۵۷ اصلی واقع در بخش ۱۴ مشهد شهرستان تایباد خریداری از محل تمامت مالکیت رسمی و مشاعی شیرمحمد پرنده رودی (متقاضی) و قسمتی از پلاک محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عمومی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۹۷۱۷۷۵۵
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۳۹۷/۱۲/۰۸
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۳۹۷/۱۲/۲۳
غلامرضا آقازاده
رئیس ثبت اسناد و املاک تایباد

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۰۶۰۱۵۰۰۰۰۸۸ -۱۳۹۷/۰۱/۱۸ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تایباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم صفیه بابره فرزند گل محمد بشماره شناسنامه ۳۰ صادره از تایباد در ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۱۴۷,۳۶ متر مربع پلاک ۲۸۳ اصلی واقع در بخش ۱۴ مشهد شهرستان تایباد خریداری از محل قسمتی از مالکیت حسن روشن و قسمتی از پلاک محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عمومی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۹

### آغاز مذاکرات رئال مادرید با ایکاردی

مذاکرات باشگاه رئال مادرید با مهاجم نارضی تیم فوتبال اینتر آغاز شده است. با بازگشت ژنی‌الدین زیدان به روی نیمکت رئال، این تیم می‌رود به خدمت گرفتن ستاره نارضی اینتر وارد مذاکره شده و همین‌طور بایولی هم پیشنهاد خود برای به خدمت گرفتن این مهاجم ژاپنی را به ۹ میلیون یورو در سال ارتقا داده است. در کنار این دو باشگاه، یوونتوس نیز در حال بررسی شرایط خرید ایکاردی است. اینده ایکاردی در اینتر در حالی در هاله‌ای از ابهام است که پس از گرفته شدن بازوبند کاپیتانی از وی به دلیل آنچه مصدومیت زانو گفته شده دیگر به میدان نرفته است.

### مارادونا: رونالدو حالا یک جادوگر است

درخشش سه شنبه شب کریستیانو برابر اتلتیکو تمجید اسطوره فوتبال آرژانتین را نیز به دنبال داشت. دیگو مارادونا مسی گوید: برخی فوتبالیست‌ها چوب جادوگری دارند و تعدادشان هم بسیار اندک است. ما ارژانتینی‌ها به داشتن لیونل مسی می بالیم و خوشحالیم که او پیراهن تیم ملی اسپانیا را به تن نکرد اما باید اعتراف کنم که رونالدو مثل یک هیولا است و توانایی های منحصر به فردی دارد. او حالا به یک جادوگر هم تبدیل شده و سه موقعیت گل داشت و توانست سه گل به ثمر برساند.

### شکایت «کاربوس» از بشیکتاش

سگربان آلمانی بشیکتاش از این باشگاه ترکیه‌ای به فیفا شکایت کرده است. در حالی که مهکان لوریس گرفتن پاداش باری فینال لیگ قهرمان فعل گذشته و اشتباه مهلکش در پیراهن لیورپول مقابل رئال مادرید یاد دارند، این دروازه بان آلمانی روزهای سختی را در ترکیه سپری می گذراند. کاربوس نه تنها به خاطر عملکرد به توسط سرمربی تیمش مورد انتقاد قرار گرفته بلکه حالا چهار ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده است. او از این تیم به دلیل نپرداختن حقوقش شکایت کرده تا درگیری ها بین او و بشیکتاش بیشتر شود.

### واکنش «کلوپ» به انقلاب اخیر در تیم ملی آلمان

سرمربی آلمانی لیورپول، نظر خود را در مورد تصمیم جنجالی اخیر یواخیم لوو سرمربی تیم کشورش و کنار گذاشتن سه بازیکن با تجربه را بیان کرد. یورگن کلوپ معتقد است: من می دانم که هر سه این بازیکنان دوست داشتند برای آلمان بازی کنند اما همیشه همه تصمیماتی که یک سرمربی می گیرد ۵۰-۵۰ است و برخی با آن موافق بوده و بعضی آن را دوست ندارند. تفاوت یک سرمربی در عرصه ملی با یک سرمربی باشگاهی این است. من از دلایل یواخیم لوو برای این تصمیم خبر ندارم اما می دانم کنار گذاشتن بازیکنانی که می توانند برای تیم ملی بازی کنند آسان نیست و من موارد زیادی مشابهش ندیده‌ام.



## خط حمله

### وضعیت مبهم مهاجم اسکاتلندی تراکتورسازی

**ورزش:** مهاجم اسکاتلندی تیم تراکتورسازی که پس از کش و قوس های فراوان به ایران برگشته، هنوز نتوانسته نظر مثبت لیکزر را جلب کند. اروین در مدتی که در خارج از ایران بود، تمرینات منظمی نداشته و به همین خاطر اضافه وزن هم آورده است. در این راستا کادر فنی تیم تراکتورسازی بیشتر تلاش می کند تا این بازیکن را از لحاظ بدنی به آمادگی برساند و سپس درباره اضافه شدنش به ترکیب تصمیم بگیرد. در این شرایط به نظر می رسد که اروین در دیدار مقابل پدیده هم در لیست ۱۸ نفره تیم تراکتورسازی حضور نخواهد داشت.

### برانکو: می توانیم صعود کنیم

**ورزش:** سرمربی تیم فوتبال پرسپولیس گفت که نتیجه بازی با السد عادلانه نبوده است. برانکو ایوانکوویچ درباره بازی که با یک امتیاز پس از دو بازی، درباره آینده چگونه فکر می کند، خاطرنشان کرد: مسلم است که به فکر صعود به مرحله بعدی بازی ها هستیم. چهار بازی داریم و می توان از این چهار بازی، ۱۲ امتیاز کسب کرد، بنابراین، حرف و فکر ما این است که می توانیم در این چهار بازی نتیجه بگیریم و صعود کنیم.

### شفر: نگران بازی با الهلال و الدحیل نیستم

**ورزش:** سرمربی استقلال با تمجید از عملکرد آبی پوشان در نیمه دوم دیدار مقابل العین امارات گفت: تا به امروز چنین بازی که در نیمه دوم از استقلال دیدم، از نیمه نیمه بودم. ما نیمه‌های فراوانی داشتیم و پس از اینکه گل خوردیم، یک بازیکن باید به بازیکن دیگری که موفقیت بهتری داشت، پاس می داد، اما فوتبال همین است. من نگرانی بابت بازی مقابل الهلال و الدحیل ندارم. اگر همیشه مانند نیمه دوم دیدار مقابل العین بازی کنیم، شانس زیادی برای صعود خواهیم داشت.

### رحمتی: سعودی ها داور عوض می کنند و ما گوش به فرمانیم

**ورزش:** مهدی رحمتی، دروازه بان تیم فوتبال استقلال در خصوص قضردگی بازی ها که باعث شده استقلال و پرسپولیس در آسیا نتیجه نگیرند و به نفوذی داوری ها نیز در لیگ قهرمانان آسیا علیه آن ها بودند، اظهار داشت: مسئله داوری را فدراسیون فوتبال باید پیگیر باشد و با AFC حل کند تا زومان بیشتر شود. سعودی ها خیلی راحت داور عوض می کنند، اما ما فقط گوش به فرمان هستیم. نزدیکی و قضردگی بازی ها نیز به تیم ها فشار می آورد و خودتان دیدید دو بازیکن ما حسنه شدند، یک نفر مصدوم شد.

### عالیشاه در تمرینات پرسپولیس

**ورزش:** امید عالیشاه بازیکن تیم فوتبال پرسپولیس که به دلیل مصدومیت سه بازی اخیر تیمش را از دست داده بود، به بهبودی کامل رسیده است. عالیشاه که همراه با پرسپولیس به قطر نرفته بود از امروز تمرینات خود را همراه با سایر بازیکنان برای بازی مقابل سپیدرود رشت آغاز خواهد کرد.

### جریمه ۶۰۰ دلاری استقلال

**ورزش:** طبق قوانین AFC در هر دیدار لیگ قهرمانان آسیا هر تیمی برای دریافت هر کارت زرد مبلغ ۳۰۰ دلار جریمه خواهد شد که در دیدار استقلال مقابل العین فرشید باقری و فرشید اسماعیلی دو کارت زرد از داور عدالی بازی دریافت کردند که در مجموع این پوشان ۶۰۰ دلار جریمه شدند.

### ادواردو به بازی استقلال می رسد

**ورزش:** کانون هواداران الهلال عربستان اعلام کرد که کارلوس ادواردو، ستاره برزیلی این تیم که در دیدار با الدحل قطر مصدوم شده بود به مدت ۳ هفته از میادین دور خواهد بود. با این خبر ستاره برزیلی الهلال به بازی استقلال که در تاریخ ۱۹ فروردین برگزار می شود می رسد و مشکلی برای همراهی تیمش نخواهد داشت.

### اسماعیلی باید جراحی شود

**ورزش:** رئیس کمیته پزشکی تیم فوتبال استقلال توضیحاتی را در مورد میزان مصدومیت اسماعیلی ارائه کرد. دکتر امین نوروزی درباره مدت زمان دوری اسماعیلی از میادین خاطر نشان کرد: آقای اسماعیلی در ناحیه زیر شکم دچار فتق ورزشی هستند. ما از گشنه نیز به او گفتیم نیاز به جراحی دارد اما او با توجه به نیاز تیم ممانعت کرده تا بتواند با هماهنگی سرمربی به تیم کمک کند. ما از چند ماه قبل نظر خود را درباره او داده ایم. این بازیکن در حال حاضر با تیم ادامه می‌دهد تا در زمان مناسب برای عمل جراحی او اقدام کنیم.

### زنوزی: تراکتور کهکشانی را سال بعد ببینید

**ورزش:** محمدرضا زنوزی می گوید انتظار قهرمانی را ندارد و تراکتور فصل اینده کهکشانی خواهد بود. مالک باشگاه تراکتورسازی تبریز در گفت و گو با ورزش سه درباره شرایط تیمش گفت: وضعیت تیم خیلی خوب است. باتوجه به اینکه نیم فصل دوم را هم بچه ها خوب شروع کردند و نتایج خوبی هم گرفتند و این را هم عرض کنم که امسال درست است که ما شرایط قهرمانی را داریم و در کورس قهرمانی هستیم اما واقعا از تیم انتظار قهرمانی ندارم. فصل اول تیم فصل هم به یکی از حریفان که درباره تیم کهکشانی پرسید گفتم که تیم کهکشانی ما سال اینده است و امسال انتظار ندارم برای نخستین سالی که تیم را تحویل گرفتیم بیاییم و قهرمان شویم. ما امسال به دنبال سهمیه هستیم و بچه ها تمام تلاششان را هم می کنند قهرمان شوند اما اگر نشوند هم ما برنامه ای برای آن نداریم.

### پروین: پرسپولیس منشا را مفت از دست داد

**ورزش:** پرسپولیس مقابل السد در قطر فرصت‌های زیادی را از دست داد و در نهایت با گل افسانه بغداد بونجاح در دقیقه ۹۰ بازنده شد. علاوه بر اشتباه تیم داوری، باید بی دقتی مهاجمان پرسپولیس را هم در این شکست تاثیرگذار دانست. اتفاقی که باعث شده تا بعضی از پیشکسوتان و هواداران این تیم را به یاد گادوین منشا بیندازد. علی پروین اسطوره پرسپولیسی ها در این باره می گوید: «معتقدم پرسپولیس مفت منشا را از دست داد. این بازیکن در خط حمله می توانست کمک حال تیم برانکو باشد ولی خیلی راحت از این تیم کنار گذاشته شد. منشا در این روزها می توانست به پرسپولیس کمک کند.»

گفت‌وگو با عقاب آسیا از زندگی در شمال تا دربی پایتخت

## دلم برای قایقران تنگ شده است

**ورزش:** احمدرضا عابدزاده همیشه سوژه خوبی برای رسانه‌ها محسوب می‌شود. بازیکنی که سال‌ها در تیم ملی بازی می‌کرد و حالا دور از فوتبال مشغول کار تجاری و البته رستوران‌داری است. وی که یکی از بازیکنان محبوب نسل ۹۸ محسوب می‌شود، در گفت‌وگو با فارس پیرامون کارش در شمال کشور و مسائل مختلف صحبت‌هایی را انجام داده که متن آن را در زیر می‌خوانید.

**● دوست دارم بدانیم دل شما برای کدامیک از همبازی‌هایتان تنگ شده است.**

من همیشه با همبازیانم رابطه خوبی داشتم. الان هم همین گونه است. اما انصافا دلم برای سیروس قایقران خیلی تنگ شده است. در این چند سال سعی کردم در مراسم‌های او حضور داشته باشم و یا یکی، دو روز قبل از مراسم سالگرد او سر مزارش رفتم و با او حرف زدم. چند بار هم با خانواده او صحبت کردم. سیروس واقعا یک قوتبالیست محبوب و دوست‌داشتنی برای من و همبازیانش بود.

**● دلتان برای امیر تنگ نمی‌شود؟**

چرا ولی اگر از ما دور باشید برای خودش بهتر است. او برای زندگی خودش تصمیم می‌گیرد، چون خوشحتانه یا سواد دارید و از دوره راهنمایی در انگلیس تحصیلاتش را گذرانده و خوب و بد را خیلی راحت تشخیص می‌دهد.

**● در اسفندماه هستیم. در روزهایی که حدود ۱۷-۱۶ سال پیش اتفاق تلخی برای شما افتاد. یادتان هست؟**

البته. ولی من امیدوارم مریضی و بیماری برای هیچ کس نباشد. کسی که مریض می‌شود، اطرافیان او سختی‌های زیادی می‌کشند. من در آن سال‌ها بعد از اتفاقی که برایم رخ داد، متوجه شدم مردم چقدر برایم دعا کرده‌اند. نزدیک عید هستیم و دوست دارم در مورد چیزهای خوب صحبت کنم و برای مردم ایران آرزوی سلامتی داشته باشم.

آن زمان فرق می‌کرد، چون بازیکن حرفه‌ای بودم، الان شرایط به شکلی است که خیلی‌ها تازه شب‌ها به بیرون از خانه می‌آیند. خیلی‌ها هم می‌آیند که در رستوران من را ببینند و قرار نیست فقط برای غذا خوردن به رستوران ما مراجعه کنند.

**● امسال یک دربی نوروزی هم داریم.**

بله، از الان زود است در مورد دربی عید صحبت کنیم چون شرایط تیم‌ها هنوز معلوم نیست. حتی یکی، دو روز قبل از دربی ممکن است شرایط دو تیم تغییر کند و متحول شود.

پیام را سال بعد برای فینال لیگ برتر والیبال می بندیم

## قوچان‌نژاد: فرقی نمی‌کند ۲ ماه دبیر باشم یا ۱۰ سال

بعد از چند روز کش‌وقوس و بلاتکلیفی بالاخره سازمان لیگ والیبال اعلام کرد دبیر رده‌بندی لیگ‌برتر متل سال های قبلی برگزار نخواهد شد. بر این اساس پیام مشهد و کلاه آمل به صورت مشترک به عنوان سومی لیگ دست یافتند. پیام مشهد که امسال با بودجه محدود و در روزهای آخر به لیگ برتر اضافه شد، توانست فراتر از انتظارات عمل کند و فقط در مرحله نیمه نهایی مقابل شهرداری ورامین کم آورد و سرمربی این تیم که با عنوان سومی در لیگ برتر به کار خود پایان داده، یکی از گزینه های اصلی دبیر کلی فدراسیون در هفته های اخیر بوده که البته این مساله را به پایان ماموریتش رسیده پیام منوط کرده بود.

**درانتظار ابلاغ**

جبار قوچان نژاد، سرمربی پیام مشهد به احتمال حضورش در فدراسیون به عنوان دبیر کل واکنش نشان داد و گفت: چندی پیش با من صحبت شده بود. من هم گفتم بعد از اتمام لیگ اگر ابلاغی باشد، در خدمت هستم، اما برخی نوشتند که من دبیر کل می‌شوم االان هم حرفم عوض نشده و می گویم اگر ابلاغی برای من صادر شود، در خدمت فدراسیون و جامعه والیبال هستم. برای من در این شرایط خیلی مهم نیست که چه مدتی در فدراسیون باشم. شاید برخی بگویند فقط چند ماه تا انتخابات در این سمت حضور خواهم داشت، اما من کارمند دستگاه ورزش هستم و فقط اتاقم عوض می شود. حالا فرقی نمی کند ۲ ماه در اتاق دبیر فدراسیون باشم یا ۱۰ سال.

**داستان تکراری لغو رده‌بندی**

وی درباره لغو دیدار رده‌بندی که مثل هر سال برخلاف اعلام اولیه سازمان لیگ صورت گرفت، عنوان کرد: باید فضا و بستری ایجاد کنیم که هر سال این اتفاق تکرار نشود. مثلا اینکه برای تیم سوم لیگ امتیاز ویژه‌ای در نظر بگیریم و به یک مسابقه بین المللی اعزامش کنیم یا جایزه مالی ارزشمندی بدهیم. وقتی سومی لیگ برتر هیچ سودی ندارد، هر چقدر هم شعار دهیم که امکان ندارد این مسابقه لغو شود، بازهم به همین جا می رسیم.

**بی انگیزه‌ها**

قوچان نژاد در ادامه بیان داشت: بعد از پایان دیدارهای نیمه نهایی من و عطایی حرف زدیم و پیش خودمان گفتیم چطور می توانیم به بازیکنان انگیزه دهیم. برخی از بازیکنان که به تیم ملی دعوت می شوند، از ترس مصدومیت شاید تمام توان خود را نگذارند و بقیه هم انگیزه لازم را ندارند. مجموعه یکسری اتفاقات باعث می شود ۲ تیم راغب به بازی نباشند. من و عطایی به توافق رسیدیم که بازی برگزار نشود و بلافاصله هم به فدراسیون نامه زدیم. بازهم گفتیم هر چه فدراسیون بگوید. اگر مجبورمان می کردند، حاضر بودیم بازی کنیم.

**لیگ جذاب**

سرمربی پیام مشهد درباره لیگ سال ۹۷ گفت: بازی های خیلی خوب و سنگینی در لیگ امسال برگزار شد. خیلی سخت می شد بازی ها را پیش بینی کرد و مسابقات نزدیک و پایاپای دنبال می شد. در کل برخلاف سال های اخیر لیگ جذابی داشتیم. اگر چه به برخی مسائل حاشیه ای نباید دامن زده می شد.

**والیبال خراسان رضوی**

قوچان نژاد در مورد شرایط والیبال خراسان هم گفت: در چند سال گذشته برای والیبال استان مانه تنها کار زیربنایی انجام نشده بلکه اگر فعالیتی صورت گرفته سمبل کاری شده است. در این مدت تیم های لیگ برتری که قله های هر ورزش محسوب می شود در خراسان رضوی نداشتیم، البته این موضوع سبب نمی شود تا امکان انجام کار زیربناختی وجود نداشته باشد.

**نتایج پیام**

قوچان نژاد با اشاره به نتایج تیم پیام گفت: از بابی بسیاری از افراد این بود که تیم والیبال پیام سقوط می کند، اما به گفته کارشناسان این تیم کارنامه موفقی در سال ۹۷ داشته است. در حال حاضر تیم های والیبال آذربایجان غربی و شرقی در کنار گنبد که یکی از قطب های مهم والیبال در ایران هستند، نتوانستند جزو ۴ یا ۸ تیم اول کشور در این ورزش باشند. متاسفانه تیم پیام به علت جنجال هایی که بازی در روامین و آخرین دیدارش در مشهد داشت نتوانست به فینال راه یابد اما همین موضوع که جزو ۴ تیم اول ایران در ورزش والیبال می تواند نوید دهنده خبرها و اتفاق های خوب در سال های آینده باشد.

**رویای فینال**

وی در پایان گفت: اکنون که پیام توانست جزو ۴ تیم اول ایران شود، برای سال آینده به فکر راه یابی آن به فینال هستیم. خواهیم تلاش می کنیم تا بازی ها را پیش بینی کرد و مسابقات نزدیک و پایاپای دنبال می شد. در کل برخلاف سال های اخیر لیگ جذابی داشتیم. اگر چه به برخی مسائل حاشیه ای نباید دامن زده می شد.

**داوری: پیام تنبیه نمی شود**

افشین داوری سرپرست فدراسیون والیبال گفت: در حال حاضر دبیر فدراسیون والیبال منتخب شده و پس از پایان لیگ برتر والیبال او را معرفی خواهیم کرد. افشین داوری در خصوص این که چرا جبار قوچان نژاد به صورت رسمی به عنوان دبیر فدراسیون والیبال معرفی نمی‌شود، اظهار داشت: در مقطعی انتخابات ما را برای دبیری فدراسیون والیبال انجام داده بودیم که به سرانجام نرسید. پس از آن ام قوچان نژاد هم به عنوان یکی از کسانی که می‌تواند عهده‌دار این سمت باشد مطرح شد که این گزینه و چند گزینه دیگر را نیز بررسی کردیم.

وی ادامه داد: در حال حاضر دبیر فدراسیون والیبال مشخص شده و پس از پایان لیگ برتر والیبال او را نیز معرفی خواهیم کرد.

سرپرست فدراسیون والیبال در مورد این که آیا انتخاب یک مربی برای دبیری این فدراسیون رسک بزرگی محسوب نمی‌شود، تصریح کرد: ما به دنبال کسی هستیم که بتواند در همه امور اعم از فدراسیون، رسانه‌ها و تیم ملی عملکرد خوبی داشته باشد و خیالتان از این بابت راحت باشد.

داوری در مورد انصراف کاله و پیام از لیگ برتر والیبال و احتمال محرومیت آنها گفت: محرومیتی برای این دو تیم در نظر نمی گیریم. بحثی که وجود دارد این است که برنده دیدار رده‌بندی جایزه‌ای دریافت نمی کند و به مسابقاتی هم اعزام نمی‌شود. ما یا باید برای تیم سوم جایزه‌ای در نظر بگیریم یا این که دیدار رده‌بندی را حذف کنیم.

وی ادامه داد: از فصل آینده دیدار فینال هم به صورت رفت و برگشت برگزار می‌شود و دیگر شاهد برگزاری آن به صورت تجمیع نخواهیم بود این موضوع باعث استقبال تماشاگران می‌شود و ما هم نباید به دنبال حذف آنها باشیم.

سرپرست فدراسیون والیبال در مورد اسپانسرهای این فدراسیون برای سال آینده خاطرنشان کرد: با بانکی که اسپانسر فدراسیون بود در سال بعد هم ادامه خواهیم داد. فصد داریم با اپراتورهای تلفن همراه هم وارد مذاکره شویم شد تا به صورت مستقیم با آنها قرارداد امضا کنیم.

داوری در پایان خاطرنشان کرد: به دنبال این هستیم که نیمه دوم فروردین انتخابات همه هیئت های استانی را برگزار کنیم و پس از آن نیمه‌نام از داوطلبان ریاست فدراسیون والیبال نیز انجام خواهد شد.

رئیس فدراسیون وعده داد

## حمایت مالی از نخبگان تنیس روی میز

**ورزش:** این روزها بالا رفتن قیمت ارز به دغدغه اصلی فدراسیون ها تبدیل شده است به ویژه فدراسیون هایی که به حضور بازیکنانشان در مسابقات متعدد و کسب امتیاز نیاز دارند. پینگ پنگ جزو آن دسته از رشته هایی است که به حضور در مسابقات احتیاج زیادی دارد به ویژه که اکنون دو بازیکن در رنکینگ زیر ۱۰۰ جهان دارد. از این رو با وجود مشکلات ارزی علاوه بر فدراسیون، خود بازیکنان هم دست به کار شده اند و تلاش می کنند با کمک اسپانسر در مسابقات خارجی شرکت کنند و رنکینگ خود را ارتقاء دهند.

**وعده رئیس**

در همین حضور رئیس فدراسیون تنیس روی میز گفت: نخبگان این رشته ورزشی با هر شرایط مالی حمایت می‌شوند. مهرداد علی قارداشی بیان این که شکی نیست که دستمزدها باید ارتقا یابد، تصریح کرد: متأسفانه گرانی تجهیزات در این رشته ورزشی، دست ما را برای جذب بیشتر بسته است. البته اگر کسی نخبه بوده و وضعیت مالی ضعیفی داشته باشد، مورد حمایت قرار می گیرد؛ در واقع تجهیزات رشته تنیس روی میز خارجی است و متناسب با نوسانات قیمت ارز، قیمت این تجهیزات نیز افزایش می یابد و همین باعث می شود که خیلی ها نتوانند در این رشته فعالیت کنند.

**رتبه ۷ دنیا**

وی در ادامه تاکید کرد: بخش کوچکی از عدم موفقیت در رشته تنیس روی میز به خاطر عدم تأمین تجهیزات است و عمده قسمت آن به نوع مدیریت و کار کردن برمی گردد. مشکلاتی که طی سال های اخیر داشته‌ایم زیاد بوده است ولی خوشبختانه چوز موفق ترین فدراسیون ها هستیم. زمانی که فدراسیون را تحویل گرفتیم رتبه انفرادی جوانان به ۲۴۵ دنیا بود ولی در حال حاضر در رتبه پنجم دنیا قرار داریم. همچنین سال ۹۴، رتبه تیمی ما پنجاهم دنیا بود ولی دو ماه پیش توانستیم رتبه ۷ دنیا را کسب کنیم.

**اردوهای مشترک**

قارداشی اعلام کرد: قبل از مسابقات جهانی مجارستان اردوی مشترک با کره شمالی و مجارستان داریم. در یکسال گذشته با توجه به ارتقای رنکینگ در جوانان و بزرگسالان درخواست های متعددی از کشورها برای اردوی مشترک داشتیم. هر دو مرکز شیروندی و انقلاب بازسازی شده اند و آمادگی اردوی مشترک در داخل کشور را داریم. رئیس فدراسیون تنیس روی میز عنوان کرد: در رده پایه اردوی مشترک با قطر و آذربایجان داشتیم و بازیکنان به گونه ای گذاشته شده که برای پیروزی هفته آینده برنامه ریزی کنند. پسب گوارد یولا قطعا به بازی روز شنبه در جام حذفی فکر می کند و این ذهنیت به تمامی باشگاه منتقل شده است. من در این باشگاه حضور داشتم و می دانم که ذهنیت پپ، بازیکنان و همه اعضای باشگاه این است که برود آسیا را برای بردن همه چیز آماده کنند. البته آن ها می دانند که کار دشواری است اگر آنها می توانند این کار را انجام دهند؟ من فکر می کنم که توانایی انجام آن را دارند. کار سختی است اما با ترکیبی که در اختیار دارند فکر می کنم که بتوانند این کار را به انجام برسانند.»

## منهای فوتبال

### توقف لیگ برتر بسکتبال در ایستگاه پلی آف!

**علی عبداحد:** هفته نهم و پایانی دور برگشت (هفته هجدهم) لیگ برتر بسکتبال باشگاههای کشور، امروز و ۴ دیدار در شهرستان‌های اصفهان، گرگان، دزفول و تهران پیگیری می‌شود و متعاقب آن رقابت‌ها در ایستگاه پلی آف متوقف می‌شود تا تیم های لیگ برتر رقیبان خود در مرحله حذفی (پلی آف) را شناسایی کنند. در اصفهان ذوب آهن میزبان پگاه ایران است. دیداری جذاب بین تیم های شهرداری گرگان و پالایش نفت آبادان با میزبانی گرگانی ها پیگیری خواهد شد. نیروی زمینی تهران که بازی اول خود را مقابل پدافند رعد هوایی دزفول با نتیجه ۷۷ بر ۷۳ پیروز شده است، امروز چنانچه در دزفول مجدداً میزبان را شکست دهد یک پله در جدول صعود می‌کند. تیم اوپزه صنعت پارسا مشهد، دوشنبه بعد در تهران میهمان شمیدیر مدعی و نایب قهرمان مرحله گروهی است. مشهدی ها که نشان داده‌اند، هیچگاه تسیم از پیش باخته نبوده‌اند، در حالی در سالن بسکتبال مجموعه آزادی تهران مقابل شمیدیر قرار می گیرند که بازی رفت را در مشهد ۵۷ بر ۷۹ به حریف تهرانی باخته‌اند.

### باورزنی: مخالف رویارویی با نمایندگان رژیم اشغالگر قدس هستیم

**ورزش:** داورزنی ، معاون توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای وزارت ورزش و جوانان در پاسخ به این سوال که با توجه به رسمیت نشناختن رژیم اشغالگر قدس، دبیر فدراسیون ژیمناستیک در کلاس آموزشی حضور داشته، گفت: شرکت در کلاس‌های آموزشی و بین‌المللی و سمینار بین‌المللی و جلسات بین‌المللی مجامع با دیدگاه ما در خصوص به رسمیت نشناختن این رژیم متفاوت است. اصل قصه این است که ما رژیم اشغالگر قدس را قبول نداریم. ما مخالف رویارویی مستقیم با نمایندگان این رژیم در هر میدانی هستیم.

### گودرزی رئیس فدراسیون سه گانه شد

**ورزش:** مجمع انتخاباتی فدراسیون سه گانه به ریاست محمدرضا داورزنی، معاون توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای وزارت ورزش و با حضور اعضا، مجمع برگزار شد. برای ریاست فدراسیون سه گانه، ۶ کاندیدا شده بودند که در پایان رای گیری دور دوم گودرزی با ۲۶ رای برای ۴ سال به عنوان رئیس فدراسیون انتخاب شد. باران چمنه نیز ۱۶ رای از ۴۲ رای مأخوذه را کسب کرد.

### تیم ملی کشتی آزاد راهی روسیه شد

**ورزش:** تیم ملی کشتی آزاد زیر ۲۳ سال ایران برای حضور در رقابت‌های جام جهانی عازم کشور روسیه شد. رقابت‌های جام جهانی کشتی آزاد سال ۲۰۱۹ میلادی با حضور ۸ تیم برتر دنیا در دو گروه ۴ تیمی روزهای ۲۵ و ۲۶ اسفندماه در شهر یاکوتسک روسیه برگزار می‌شود. در گروه یک این مسابقات تیم‌های روسیه، کوبا، ژاپن و ترکیه و در گروه دو این رقابت‌ها تیم‌های ایران، آمریکا، مغولستان و گرجستان حضور دارند.

### عطایی، سرمربی جوانان والیبال در میدان جهانی

**ورزش:** افشین داوری با امضا احکامی اعضای کادرفنی تیم والیبال جوانان ایران را معرفی کرد. بر این اساس اکبر محمدی سرپرست تیم جوانان ایران است و بهروز عطایی سرمربی این تیم خواهد بود که خود را برای مسابقات جهانی آماده می کند. این تیم سال گذشته با هدایت بهروز عطایی توانست مقتدرانه روی سکوی قهرمانی آسیا قرار بگیرد و حالا باید خودش برای مسابقات جهانی ۲۰۱۹ به میزبانی بحرین آماده کند.

### عادل فردوسی پور آخرین میهمان سروش صحت

**ورزش:** فردوسی پور دیشب در قسمت پایانی برنامه «کتاب باز»، از علاقه هم‌زمان خود به کتاب و فوتبال، لذت‌ها و سختی‌های ترجمه کلمه و در ادامه کتاب‌ها و نویسندگان محبوب خود را معرفی کرد. گفتنی است چند شب پیش عادل در مراسم انتخاب بهترین های صدا و سیما برنده جایزه شد و از بی مهری رسانه‌اش به خودش گفت.

### لغو فینال دوم لیگ برتر والیبال

**ورزش:** طبق برنامه قرار بود دیدار دوم فینال لیگ برتر والیبال بین تیم‌های سایپا و شهرداری ورامین روز شنبه در سالن ۱۲ هزار نفری آزادی برگزار شود، اما همزمانی این مسابقه با دیدار تیم‌های فوتبال استقلال و تساچی موجب شد تا تغییراتی ایجاد شود و روز یکشنبه انجام شود.

### محاکمه مالک تیم بسکتبال شیمیدر به اتهام قاچاق سوخت

**ورزش:** اولین جلسه رسیدگی به اتهامات مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره شرکت شیمیدر و پنج متهم دیگر به اتهام اخلال در نظام اقتصادی کشور از طریق قاچاق سازمان یافته سوخت یارانه ای در دادگاه ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی استان هرمزگان برگزار شد. در اولین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات هفت متهم اخلال در نظام اقتصادی کشور از طریق قاچاق سازمان یافته سوخت یارانه ای، کیفرخواست محمود زاج کانیها مدیر عامل شرکت شیمیدر، هنریک درغوکاسیان رئیس هیئت مدیره این شرکت و پنج متهم دیگر قرائت شد و سه تن از متهمین به دفاع از خود پرداختند.

## ورزش در سیما

**هفته ۲۲ لیگ برتر ایران**

**تراکتورسازی – پدیده**

پنجشنبه ۲۳ اسفند - ساعت: ۱۶:۰۰ زنده از شبکه ورزش

**هفته ۲۲ لیگ برتر ایران**

**فولاد خوزستان – سپاهان اصفهان**

جمعه ۲۴ اسفند - ساعت: ۱۷:۵۰ زنده از شبکه ورزش

## باشگاه رئال مادرید

این روزها همه در سانتیاگو برنابئو هیجان زده هستند چون زین الدین زیدان مربی موفق این تیم دوباره هدایت سپید پوشان را بر عهده گرفته است. توئیتر باشگاه رئال مادرید به پوشش کامل اولین جلسه تمرینی کهکشانی‌ها تحت هدایت زیزو پرداخته و با انتشار عکس‌های زیادی از این جلسه، در یکی از آن ها، از زیر نظر بودن دقیق جلسه توسط این مرد موفق فرانسوی می گوید.

## ریوفردیناند

مدافع مستحکم و نفوذ ناپذیر سابق تیم ملی انگلیس و باشگاه منچستر یونایتد، بعد از عملکرد خیره کننده کریستیانو رونالدو در مقابل اتلتیکو مادرید در لیگ قهرمانان اروپا، به تمجید از هم تیمی سابق خود پرداخت. ریو فردیناند در پستی اینستاگرامی رونالدو را خدای زنده فوتبال و بااتشار عکس های او در لیگ قهرمانان را «عجیب و غریب» می خواند. فردیناند می گوید هیچ رکوردی در این مسابقات نیست که رونالدو نتواند آن را بشکند.

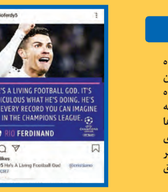


## باشگاه زنیت سن پترزبورگ

حساب رسمی توئیتر باشگاه زنیت سن پترزبورگ در پستی جالب و بامزه به درخشش سردار آزمون مهاجم ملی پوش کشورمان در این تیم واکنش نشان داده است. بعد از آنکه سردار آزمون از زمان پیوستن به زنیت، در پنج بازی خود پنج گل به ثمر رسانده، این باشگاه در توئیتش با دستکاری سکانسی در انیمیشن «ماجراجویی های تزسناک بیلی و مندی» از قول یکی از شخصیت های اصلی داستان می گوید هیچکس با حال نیست به جز سردار آزمون!

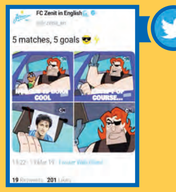


## لبران جیمز

اسطوره بسکتبال جهان عکسی زیبا از خود در اینستاگرامش منتشر کرده است. لبران جیمز که نام حساب اینستاگرامش پادشاه جیمز است و حدود ۴۸ میلیون فالوور دارد، در بازی اخیر تیمش لوس آنجلس لیکرز در زمین شیکاگو بولز در تلاش برای نزدیک شدن به دوره کسب سهمیه پلی آف ان بی ای، ۱۲۳ به ۱۰۷ پیروز شد که در یکی از صحنه ها جیمز با اسلم دانکی زیبا به امتیاز رسید که از دید دوربین ها پنهان نمانده و صحنه زیبا خلق کرد.

روز نخست هفته بیست و دوم لیگ برتر فوتبال

## تراکتور – شهرخودرو؛ تب در تبریز

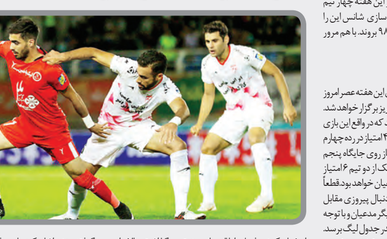

**حمیدرضا خداشناس:** هفته بیست و دوم لیگ برتر و آخرین هفته از این مسابقات در سال ۹۷ عصر امروز با دو بازی آغاز خواهد شد و سایر بازی ها فردا، پس فردا و روز یکشنبه برگزار می شود. این در حالی است که اوج حساسیت را در بازی های این هفته شاهد خواهیم بود؛ چرا که در این هفته چهار تیم پرسپولیس، سپاهان، استقلال و تراکتور سازی شانس این را دارند که با صدرنشینی به استقبال سال ۹۸ بروند. با هم مرور می کنیم دو بازی مهم امروز و فردا را.

**فینالی جذاب در تبریز**

بدون شک جذاب ترین و حساس ترین بازی این هفته عصر امروز و از ساعت ۱۶:۰۰ در روزشگاه یادگار امام تبریز برگ

خبر

## مجموعه ۴ جلدی «قصه‌های امام خمینی و بچه‌ها» منتشر شد

**ادب و هنر:** مدیرعامل به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی) از انتشار مجموعه چهار جلدی قصه‌های امام خمینی و بچه‌ها در قالب «کتاب‌های پروانه» برای کودکان توسط به‌نشر خبر داد. به گزارش قدس و به نقل از روابط عمومی به‌نشر، حسین سعیدی درباره انتشار این مجموعه اظهار کرد: مجموعه «قصه‌های امام خمینی و بچه‌ها» به قلم مجید ملامحمدی و با تصویرگری وحید خاتمی در قالب «کتاب‌های پروانه» و برای گروه سنی «ب» و «ج» نگارش شده است.وی در ادامه افزود: این مجموعه چهار جلدی با عناوین «صورتت مثل گل است»، «من امام می‌شوم»، «از مدرسه سرخپوست‌ها» و «گردنبندی که به ایران سفر کرد» راهی بازار نشر شده است و سعید دین پناه طراح گرافیک این اثر است.

مدیرعامل به‌نشر با بیان اینکه کودکان در این اثر با سبک زندگی و سیره اخلاقی و عملی بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی آشنا می‌شوند، خاطرنشان کرد: مجموعه چهار جلدی «قصه‌های امام خمینی و بچه‌ها» حاوی داستان‌های کوتاه و فرازهایی آموزنده و داستان‌هایی اخلاقی از زندگی امام خمینی(ره) و ارتباطش با دیگران بویژه کودکان است که کاملاً محبت‌آمیز و صمیمانه بوده است. وی تصریح کرد: این مجموعه چهار جلدی که در قطع رحلی و با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه منتشر شده است با قیمت ۱۰ هزار تومان در دسترس کودکان ایرانی قرار گرفته است.

سعیدی یادآور شد: مجید ملامحمدی، زاده ۱۲ مرداد ۱۳۴۷ در شهر قم است، از وی تاکنون حدود ۱۵۰ کتاب داستان، شعر و... در موضوعات دینی، اهل بیت(ع) و اخلاقی به چاپ رسیده است که بیشتر این کتاب‌ها در جشنواره‌های مهم کشوری برگزیده شده‌اند.

وی در پایان عنوان کرد: در این مجموعه از منابعی همچون پا به پای آفتاب، در سایه آفتاب، برداشت‌هایی از سیره امام و پرتوی از خورشید الهام گرفته شده است.در یکی از داستان‌های این مجموعه می‌خوانیم: ما رفتیم و رفتیم تا به یک شهر رسیدیم. آقای پستچی من را به دست مدیر یک مدرسه داد و گفت: «این نامه از جماران است، از بیت امام خمینی»... خانم مدیر فوری از جای خود بلند شد، من را گرفت. خوب نگاهم کرد و گفت: «خیلی ممنون آقای پستچی!» آقای پستچی رفت. خانم مدیر وقتی من را باز کرد، با خوشحالی صورتم را بوسید و گفت: «ای وای! امام خمینی به نامه بچه‌های ما جواب داده...!»

### گفت‌وگو با طاهره ایبد به بهانه انتشار مجموعه‌های تازه‌اش

# تخیل، نیاز کودک و نوجوان امروز است

**ادب و هنر / خدیجه زمانیان |** طاهره ایبد از معدود نویسندگانی است که برای همه گروه‌های سنی کودکان، خردسالان، نونهالان، نوجوانان و بزرگسالان کتاب نوشته و آثارش در همه رده‌های سنی موفق بوده و جایزه‌های مختلف ادبی را از آن خود کرده‌اند. او از نویسندگانی است که برای نخستین بار برای نوزادان ۶ ماه تا سه سال کتاب نوشت و آثارش با استقبال روبه‌رو شد. آثار کودک و نوجوانش به چاپ‌های متعدد می‌رسند و رمان بزرگسالش با نام «دور گردون» وقتی منتشر شد، توانست جایزه کتاب سال پایداری را از آن خود کند و رضا سیدحسینی (نویسنده کتاب مکتب‌های ادبی) در میزگردی این اثر را نقد و تحلیل کرد. طاهره ایبد چندان علاقه‌ای به نوشتن برای بزرگسالان ندارد. می‌گوید: همین قدر که بین بزرگسالان زندگی می‌کند برای او کافی است و خلق اثر برای این رده سنی چندان خوشایند او نیست. این بانوی نویسنده بیشتر دغدغه نوشتن برای مخاطب خردسال، کودک و نوجوان را دارد. مجموعه دو جلدی طنز «داستان‌های یک قل دو قل» از کتاب‌های موفق و پرطرفدار اوست که بارها تجدید چاپ شده‌اند. این مجموعه توسط به نشر منتشر شده است. از طاهره ایبد همچنین کتاب‌های «لولوی نخور نخوره» توسط نشر هوپا، «چه کسی نامه را به شیشه چسباند؟» و مجموعه «غولستان» توسط نشر داستان جمعه بزودی به بازار کتاب خواهد آمد. گفت‌وگوی ما را با این بانوی داستان نویس بخوانید.

**◆ شما از نویسندگانی هستید که بر خلاف سایر نویسندگان کودک و نوجوان کمتر سراغ بازنویسی رفته‌اید؛ در حالی که بسیاری از نویسندگان به این سمت رفته‌اند و دست کم یک یا دو اثر بازنویسی در کارنامه نویسندگی آن‌ها وجود دارد. نظر شما درباره بازنویسی‌ها چیست؟**

جامعه کودک و نوجوان ما نیاز به پرورش تخیل دارد و یکی از کارهایی که ادبیات می‌تواند انجام بدهد، پرورش تخیل بچه‌هاست. داستان فهم عمیق و گسترده تری از زندگی به بچه‌ها منتقل می‌کند؛ یعنی به کمک ادبیات، بچه‌ها برای زندگی در دنیای واقعی و دنیای پیچیده بزرگسالی آماده می‌شوند.

نکته دوم، منابع بازنویسی، یعنی متون ادبی کهن، ادبیات فولکلور و افسانه‌هاست؛ آثاری از زمان گذشته که با توجه به مضمون، ویژگی‌های ساختاری، قدرت تخیل و اندیشه و... ماندگار شده‌اند. بعضی از این آثار مانند بخشی از افسانه‌ها چندان نیازمند بازنویسی نیستند و به همان شکل هم برای بچه‌ها قابل درک هستند و خواندنشان لذتبخش است، اما برخی دیگر به دلیل ویژگی‌های زبانی خاص، برای مخاطب کودک و نوجوان چندان قابل درک و دریافت نیست و لازم است که این دست از ادبیات کهن بازنویسی شوند، به شرطی که ادبیاتشان از دست نرود. در واقع باید با زبان ادبی خاص، روایت و بازآفرینی شوند. یعنی باید چیزی به آثار اضافه کرد نه اینکه ادبیات آن را کم کرد یا از بین برد؛ چیزی که در آثار بازنویسی، زیاد شاهدش هستیم. من چند اثر بازآفرینی داشته‌ام؛ اما ترجیحم این است که وقتم را روی کارهای تألیفی و خلاق بگذارم.

**◆ همان طور که خودتان هم گفتید یکی از دغدغه‌های شما بازتاب مسائل روز بچه‌ها در ادبیات است. چطور دغدغه‌های به روز کودک و نوجوان را می‌بینید و آن را در قالب ادبیات منعکس می‌کنید؟**

ارتباط با کودکان و مشاهده رفتار و کنش‌های آن‌ها، فاکتور مهمی در دریافت اطلاعات درباره آن‌هاست. گروه‌های سنی مختلف ممکن است ویژگی‌های مشترکی داشته باشند؛ اما هر جامعه انسانی خصوصیات خاص خود را هم داراست که برای پیدا کردن آن‌ها باید سراغشان رفت و آن‌ها را درک کرد و شناخت. نویسنده باید بتواند هم مخاطب را جذب کند و هم به علاقه و نیاز او پاسخ دهد و هم درک تازه‌ای از زندگی به او منتقل کند. ضمن اینکه نویسنده باید با روان شناسی جامعه مخاطبش آشنا باشد. این مهم را به خوبی در آثاری که فراتر از زمان و مکان نویسندگانشان رفته‌اند و ماندگار شده‌اند، می‌توان دید.

**◆ شما نخستین نویسنده‌ای هستید که تجربه نوشتن برای نوزادان و کودکان زیر سه سال را دارید؛ از این تجربه بگویید.**

آنچه می‌خوانید

**کودک و نوجوان ما نیاز به پرورش تخیل دارد و یکی از کارهایی که ادبیات می‌تواند انجام بدهد، پرورش تخیل بچه‌هاست. داستان فهم عمیق و گسترده‌تری از زندگی به بچه‌ها منتقل می‌کند؛ یعنی به کمک ادبیات، بچه‌ها برای زندگی در دنیای واقعی و دنیای پیچیده بزرگسالی آماده می‌شوند**

من نخستین کسی نبودم که در ایران شروع به نوشتن برای بچه‌های شش ماه تا سه سال کردم؛ ما یک گروه بودیم؛ این گروه در کانون پرورش فکری تشکیل شد. ما جلسه‌های متعددی داشتیم و در هر جلسه بخشی از وقتمان را صرف طرح مطالبی که از تحقیق و پژوهش به دست آورده بودیم، می‌کردیم. در آن دوره جای خالی کتاب برای این گروه سنی کاملاً احساس می‌شد و البته هنوز هم چنین است. من سفرهای زیادی به شهرهای مختلف داشته و دارم، هر بار مادرانی را می‌بینم که سراغ این گونه کتاب‌ها را می‌گیرند و از من می‌خواهند که به آن‌ها کتاب معرفی کنم. زمان‌هایی هم که به نمایشگاه‌های کتاب می‌رفتم، مادرانی را می‌دیدم که دنبال کتاب برای نوزادانشان بودند. تولد این کتاب‌ها در بخشی از خانواده‌ها ایجاد نیاز کرد و آن‌ها جای خالی کتاب برای نوزادان را حس کردند و این، اتفاق خوبی بود.

**◆ آثار دیگری برای این گروه در دست چاپ دارید؟**

چند کتاب با فرم و کتابسازی متفاوت برای چاپ طراحی کرده‌ام و به ناشر داده‌ام.

**◆ مجموعه داستان‌های «یک قل دو قل» جزو آثار موفق شماست. شخصیت پردازی‌های زنده و ملموسی که در کتاب هست و روحیه معترض و منتقد بچه‌ها در کتاب متناسب با بچه‌های امروز است. شخصیت‌های این داستان‌ها چگونه خلق شدند؟**

سال‌ها پیش در دوران دانشجویی‌ام شنیدم که بیمارستانی در یکی از کشورهای اروپایی، کتابخانه‌ای برای نوزادان راه‌اندازی کرده و به پدر و مادر هر نوزاد تازه متولدی، سه کتاب می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد که تا سه ماهگی هر شب یکی از این کتاب‌ها را بالای سر نوزاد بگیرند و با صدای بلند برایش بخوانند و تصویرها را به او نشان بدهند و پس از سه ماه نوزاد را بیاورند تا از او تست بگیرند. نتیجه این آزمایش بسیار عجیب بود.پس از سه ماه، نوزادان را در اتاق می‌گذاشتند و سه نفر بالای سر نوزاد می‌ایستادند و کتاب‌ها را به طرف او می‌گرفتند. همزمان از طریق یک بلندگو، یک نفر متن یکی از کتاب‌ها را می‌خواند. جالب بود که نوزاد سرش را به سمت کتابی می‌چرخاند که متن، متعلق به آن بود. این مسئله نشان می‌داد که سطح دریافت بچه‌ها چندان با بزرگسالان تفاوت ندارد و آن‌ها فقط توانایی بروز بازخورد و قدرت بیان ندارند. این ماجرا برای من بسیار جذاب بود و ذهنم را درگیر این مسئله کرد که احتمالاً جنین هم می‌تواند دریافت هایی از محیط بیرونی داشته باشد. این نکته در ذهنم بود تا اینکه یک روز شخصی به نام آقای «طاولی» از شبکه یک تلویزیون با من تماس گرفت و از من برای ویرایش انیمیشن‌های خارجی دعوت کرد. وقتی به شبکه رفتم، ایشان برخورد بسیار گرمی با من داشت. قرار شد که من یک روز در میان به شبکه بروم و کارم را انجام دهم. روز بعد که رفتم، آقای طاولی در اتاق بود، اما فقط سلامی کرد و مشغول کارش شد. برخوردش برایم عجیب بود. دفعه بعد که باز به شبکه رفتم، آقای طاولی تا من را دید، جلو آمد و خیلی گرم احوالپرسی کرد و نظرم را درباره کار پرسید. رفتارش برایم سؤال برانگیز شد. چندین بار دیگر این برخوردهای متناقض و عجیب و غریب پیش آمد تا این که یک روز وقتی وارد اتاق شدم، دو تا آقای طاولی در اتاق دیدم و متوجه شدم که آن‌ها دوقلو هستند. این ماجرای خنده دار، جرقه مجموعه طنز «داستان‌های یک‌قل دوقل» را در ذهنم زد. این دو جلد شامل ۱۰۰ داستان طنز است که به مدت دو سال در مجله دوست چاپ می‌شد و پس از آن، به‌نشر کتاب را چاپ کرد.

**◆ اگر به دنبال آسیب شناسی ادبیات کودک و نوجوان باشیم، این ادبیات چه خلأهایی دارد؛ در چه بخش‌هایی نویسندگان ما پیشرفت کرده‌اند و در عرصه‌های جهانی حرفی برای گفتن دارند؟**

ما در کشورمان آثار ادبی قابل توجه داریم؛ اما نه به آن اندازه که انتظار می‌رود و نه به آن اندازه که تبلیغ می‌شود. اینکه آثار ادبی ما با بودجه‌های داخلی و حتی دولتی ترجمه شود، کمک خوبی به معرفی ادبیات ایران است؛ اما نباید ترجمه‌های داخلی را به حساب این گذاشت که تمام این آثار، حرفی برای گفتن در عرصه جهانی دارند. وقتی یک ناشر خارجی خود پیشقدم می‌شود که رایت کتابی را بخرد و آن را منتشر کند، نشان می‌دهد که اثر حرفی فراتر از سرزمین خودش داشته است. اما متأسفانه ابزارها و رسانه‌های تبلیغاتی داخلی به دلایل مختلف، خیلی وقت‌ها، آثار نه چندان قوی را ویژه جلوه می‌دهند و برخی آثار درخور توجه را نادیده می‌گیرند و به مرور سطح ذوق و سلیقه کودک و نوجوان را پایین می‌آورند. مسئله دیگری که به ادبیات کودک و نوجوان ما آسیب زده، کپی کاری و گرته‌برداری برخی نویسندگان ما از آثار موفق خارجی است و البته حوزه تصویرگری هم از این اتفاق در امان نمانده است.

با وجود این، من معتقدم که تمام کتاب‌ها از غربال تاریخ عبور می‌کنند و آثار ادبی و خلاقانه ماندگار، خودشان را نشان می‌دهند؛ اگر چه سهم آسیب‌های امروزی را هم نمی‌توان نادیده گرفت.

**آگهی تغییرات شرکت کهکشان داده بدون مرز آیسان**
**شرکت با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۶۰۹۳۹ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۶۴۱۹۰۹**

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷،۰۸،۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : – سمت اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند: آقای محمد رضا ثابتی بایگی به شماره ملی ۰۹۴۶۶۰۲۱۴۱ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره و آقای همایون ظهوریان قناد به شماره ملی ۰۹۴۶۶۲۴۳۸۰ به سمت رئیس هیئت مدیره برای مدت نامحدود انتخاب گردیدند . – کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور شرکت از قبیل چک برات سفته و قراردادها و عقود اسلامی و اوراق عادی و اداری با امضاء مدیرعامل یا رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد .

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۴۱۳۷۵۷)

ع ۹۷۱۸۶۴۳

**آگهی تغییرات شرکت الکترو پشتیبان توس شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۶۰۷۶۳ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۵۸۲۹۹۲**

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷،۱۱،۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ۱ –آقای عباس محمدزاده طبسی به شماره ملی: ۰۹۳۷۵۱۲۸۵۰ به سمت رئیس هیئت مدیره ۲ـ آقای هادی محمدزاده طبسی به شماره ملی: ۰۹۳۰۶۱۰۵۰۴ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره ۳ـ آقای مجید محمدزاده طبسی به شماره ملی: ۰۹۳۰۶۱۰۴۹۰ به سمت عضو هیئت مدیره ۴–آقای وحید میرصدرائی به شماره ملی ۰۹۳۷۸۶۱۷۱۵ به سمت مدیرعامل ( خارج از اعضاء )برای مدت دو سال انتخاب شدندو کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور رسمی و بانکی شرکت با امضاء مشترک دو امضاء از سه امضاء اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۴۱۳۷۲۰)

ع ۹۷۱۸۶۴۱

**آگهی تغییرات شرکت روستایی کاریزنو شرکت تعاونی به شماره ثبت ۳۹ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۰۰۸۷۷۶**

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۶،۱۱،۱۰ و نامه شماره ۵۱۶،۹،۲۱۲ مورخ ۱۳۹۷،۰۳،۳۰ اداره تعاون روستایی تربت جام تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ۱ –ترازنامه و صورتهای مالی منتهی به ۱۳۹۵ ،۱۲،۲۹ به تصویب رسید. –۲ سرمایه شرکت به مبلغ ۹۹۸،۶۲۳،۰۰۰ ریال منقسم بر ۹۹۸،۶۲۳سهم هزار ریالی افزایش یافت . –۳محمد مهدی اسدالهی مفرد قلندرآبادی ۰۷۳۱۱۲۷۲۰۱ و مهدی شیروانی کلاته اقا محمد ۰۷۳۱۱۳۰۶۹۳ عباسعلی پیر ۰۷۳۱۱۲۷۹۸۶ مجتبی فکوری ۰۷۳۱۱۴۶۳۸ جواد فهمیده ۰۷۳۲۵۷۷۰۰۴ به سمت اعضای اصلی مهدی مجرد وحسین برزگر کلاته اقا محمده۰۷۳۱۰۷۴۷۵ به سمت اعضای علی البدل هیأت مدیره شرکت برای مدت سه سال مالی انتخاب شدند –۴حمید رنجبر ۰۹۴۲۷۶۵۹۳۱ واحمد دیانت۰۷۳۱۱۳۳۹۶۱ به عنوان بازرسان اصلی شرکت برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تربت جام (۴۱۳۶۴۱)

س ۹۷۱۸۶۲۰

**آگهی تغییرات شرکت تولید مکمل و خوراک دام و طیور به دام رشد خراسان**
**شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۱۵۵۱ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۲۷۲۵۱۳**

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷،۰۲،۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ۱ – آقای محمد نورمندی پور به شماره ملی:۳۰۷۰۸۱۱۵۵۸ و آقای حسن نورمندی پور به شماره ملی:۰۹۴۲۱۸۲۳۴۰ و آقای حسین نورمندی پور به شماره ملی: ۰۹۳۱۹۴۶۸۳۲ و آقای علی نورمندی پور به شماره ملی:۰۹۳۳۰۱۲۹۹۳ بسمت اعضای اصلی هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند ۲– آقای مهدی صدیقی به شماره ملی:۱۰۶۰۲۵۹۸۴۲ به سمت بازرس اصلی و آقای احمد زواری به شماره ملی:۴۷۲۰۷۶۴۳ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال انتخاب شدند. ۳–روزنامه قدس جهت درج آگهی های شرکت انتخاب شد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۴۱۳۷۳۳)

ع ۹۷۱۸۶۳۳

**آگهی تغییرات شرکت روستایی کاریزنو شرکت تعاونی به شماره ثبت ۳۹ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۰۰۸۷۷۶**

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۶،۱۱،۲۹ و نامه شماره ۵۱۶،۹،۲۱۲ مورخ ۱۳۹۷،۰۳،۳۰ اداره تعاون روستایی تربت جام تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ۱ – آقای مجتبی فکوری با کد ملی ۰۷۳۱۱۲۷۹۸۶به سمت رئیس هیئت مدیره و آقای محمد مهدی اسدالهی مفرد قلندرآبادی با کد ملی ۰۷۳۱۰۴۲۶۴۶ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و آقای عباسعلی پیر با کد ملی ۰۷۳۱۱۳۰۶۹۳ به سمت منشی هیئت مدیره و آقای غلامرضا تکمیل به شماره ملی ۰۷۳۲۱۶۳۵۸۷ به سمت مدیر عامل برای مدت ۳ سال انتخاب شدند وکلیه قراردادها و اسناد تعهد آور از قبیل چک، سفته و برات و اوراق بهادار با امضای مدیرعامل و مجتبی فکوری (رئیس هیئت مدیره) و مهر شرکت معتبر خواهد بود و اوراق عادی با امضاء آقای غلامرضا تکمیل (مدیرعامل) و مهر شرکت معتبر خواهد بود

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تربت جام (۴۱۳۶۴۲)

س ۹۷۱۸۶۲۱

**آگهی تغییرات شرکت ساختمانی حریم سازان خراسان شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۴۲۴۵ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۲۹۸۸۴۳**

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷،۰۲،۰۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : آقای منصور کمری زاده به شماره ملی ۲۰۰۲۵۰۵۴۸۹ به سمت رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل و آقای حمیدرضا ابراهیمی به شماره ملی ۴۵۹۱۱۹۰۲۷۷ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و آقای حسین مهاجری به شماره ملی ۰۹۴۵۹۰۴۸۵۱ به سمت عضو هیئت مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند. کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور رسمی و بانکی با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۴۱۳۷۴۰)

ع ۹۷۱۸۶۳۷

**آگهی تغییرات کانون خیریه حمایت از بیماران خاص مشهد مقدس**
**موسسه غیر تجاری به شماره ثبت ۳۸۷۷ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۶۴۵۳۱۳**

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷،۰۲،۲۹ و نامه شماره ۳۸۵۳،۲،۱۹۰۴ مورخ ۱۳۹۷،۰۳،۲۲ استانداری مشهد تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ۱ –آقای محمدرضا امیرحسنخانی ش ملی ۰۸۲۹۲۶۱۹۱۳ آقای علیرضا امیرحسنخانی ش ملی ۰۸۵۹۲۷۶۱۰۴ آقای غلامحسین درودی ۵۷۴۹۶۵۰۳۹۱ طاهره رسولی ش ملی ۰۰۴۳۳۶۱۸۷۷ مریم جهانی ش ملی ۰۰۳۲۹۲۰۱۴۸ به سمت اعضای اصلی هیئت مدیره و اقای مجتبی رمضانی ش ملی ۰۹۱۹۵۷۱۴۰۹ و اقای امیر مسعود رجب پور ش م ۰۹۲۷۷۴۸۹۰۰ بعنوان عضو علی البدل هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند –۲ آقای جلیل دهقان به شماره ملی ۰۹۳۲۰۷۳۲۷۱ بعنوان بازرس اصلی و خانم نرگس ناظمی به کدملی ۰۸۵۹۲۷۶۶۰۰ بعنوان بازرس علی البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند .

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۴۱۳۶۴۳)

س ۹۷۱۸۶۲۲

**آگهی تغییرات شرکت خدمات بیمه ای آتیه صنعت برق شمس**
**شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۶۱۹۹ و شناسه م لی ۱۰۳۸۰۶۲۴۵۹۴**

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷،۰۲،۲۹ و نامه شماره ۹۷،۴۸۱۹۴۸ مورخ ۹۷،۶،۱۷ بیمه ایران تصمیمات ذیل اتخاذ شد : – سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ماه ۱۳۹۶ مورد تصویب قرار گرفت. موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت دایا رهیافت به عنوان بازرس اصلی و موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت آبتین محاسب پارس به عنوان بازرس علی البدل برای سال مالی ۱۳۹۷انتخاب گردیدند . روزنامه قدس به عنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۴۱۳۷۴۲)

ع ۹۷۱۸۶۴۱

**آگهی تغییرات کانون خیریه حمایت از بیماران خاص مشهد مقدس**
**موسسه غیر تجاری به شماره ثبت ۳۸۷۷ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۶۴۵۳۱۳**

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷،۰۲،۲۹ و نامه شماره ۳۸۵۳،۲،۱۹۰۴ مورخ ۱۳۹۷،۰۳،۲۲ استانداری مشهد تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ۱ – آقای محمدرضا امیر حسنخانی ۰۸۲۹۲۶۱۹۱۳ به عنوان رئیس هیئت مدیره و آقای علیرضا امیر حسنخانی ۰۸۵۹۲۷۶۱۰۴ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و آقای غلامحسین درودی ۵۷۴۹۶۵۰۳۹۱ به عنوان خزانه دار وخانم طاهره رسولی به سمت منشی هیئت مدیره وخانم مریم جهانی ۰۰۳۲۹۲۰۱۴۸ به عنوان عضو اصلی هیئت مدیره و آقای علیرضا امیر حسنخانی با کد می ۰۸۵۹۲۷۶۱۰۴ به عنوان مدیر عامل برای مدت دو سال انتخاب شدند –۲کلیه اسنادو اوراق بهادار وتعهد آور باامضای ثابت مدیر عامل آقای علیرضا امیر حسنخانی و خزانه دار آقای غلامحسن درودی ودر غیاب وی رئیس هیئت مدیره آقای محمد رضا امیر حسنخانی بامهر کانون حمایت از بیماران خاص معتبر خواهد بود

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۴۱۳۶۴۴)

س ۹۷۱۸۶۲۴

**آگهی تغییرات شرکت تولید مکمل و خوراک دام و طیور به دام رشد خراسان**
**شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۱۵۵۱ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۲۷۲۵۱۳**

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷،۰۲،۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ۱ ––آقای محمد نورمندی پور به شماره ملی:۳۰۷۰۸۱۱۵۵۸ به سمت رئیس هیئت مدیره ۲– آقای حسن نورمندی پور به شماره ملی:۰۹۴۲۱۸۲۳۴۰ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره ۳–آقای علی نورمندی پور به شماره ملی:۰۹۳۳۰۱۲۹۹۳ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره ۴– آقای حسین نورمندی پور به شماره ملی: ۰۹۳۱۹۴۶۸۳۲ به سمت عضو اصلی هیات مدیره و مدیرعامل و کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور و رسمی و بانکی با امضای مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۴۱۳۷۵۲)

ع ۹۷۱۸۶۴۲

گفت‌وگو با محسن نقی‌زاده، کارگردان مستند «این منطقه آلوده به مین است»

# آمده‌ام به وظیفه طلبگی‌ام در سینما عمل کنم

سیما و سینما/ زهره کهندل | سال گذشته انتشار عکسی از استفاده امام جمعه وقت ایلام از خودرو شاسی بلند پرادو در رسانه‌های داخلی و خارجی جنجال آفرین شد به طوری که او در یکی از خطبه‌های نماز جمعه خطاب به منتقدانش در استفاده از خودرو گران قیمت گفت: «توصیه می‌کنم به این جایگاه که مین گذاری است نزدیک نشوید و چنانچه نزدیک شوید با مین به هلاکت خواهید رسید!» این ماجرا موجب شد تا محسن نقی‌زاده، طلبه فیلمسازی که آثاری همچون «دیوار گتو»، «بومرنگ» و... را در کارنامه مستندسازی‌اش دارد نگاهی به سبک زندگی ائمه جماعات کشور داشته باشد و ساخت فیلم مستند «این منطقه آلوده به مین است» را کلید بزند. از دیگر عوامل این فیلم می‌توان به ابراهیم شهبازی تدوینگر،امیرصادق محمدی وامین قره سوفلو تصویربرداران اشاره کرد.

این فیلم مستند که روایتی از ماجراهای جنجالی برخی ائمه جمعه کشور است قرار بود که عصر دوشنبه گذشته در تالار سوره حوزه هنری تهران نمایش داده شود که بنا به دلایل نامعلومی، اکران آن متوقف شد. در ادامه گفت و گوی ما را با محسن نقی‌زاده می‌خوانید:

**◆ دلیل پخش نشدن و توقیف مستند شما چه بود؟**

شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه کشور جلوی پخش فیلم را گرفتند و دلیلش را باید از آن‌ها بپرسید. قبل از اینکه اکران فیلم اعلام شود، فیلم را به شورای سیاست‌گذاری نشان دادم و گفتند که شما سیاه‌نمایی کردید. گفتم اگر جایی غلط است بگویید تا اصلاحش کنم، اذعان داشتند که درست است اما مصلحت نیست که نمایش داده شود. این فیلم قرار بود در حوزه هنری اکران شود ولی فشار آوردند و برنامه کنسل شد. فعلاً تکلیف فیلم مشخص نیست ولی امیدوارم که نمایش داده شود. مضمون فیلم، انتقاد به سبک زندگی اشرافی‌گری و تعریف از ساده زیستی ائمه جمعه کشور است. تا به حال فیلمسازی به سبک زندگی ائمه جمعه ورود پیدا نکرده بود که این فیلم چنین کرد. اما عده‌ای فیلم را ندیده، شروع به انتقاد کردند. بخشی از انتقادات به فیلم هم مربوط به راوی آن، سید مهدی صدرالساداتی بود.

**◆ با توجه به شناختی که از حساسیت‌های موضوع فیلم داشتید، چه شد که این مستند را ساختید؟**

متأسفانه امروز برخی از ملبسین به لباس روحانیت، کارهایی می‌کنند که دین، نظام و ولی فقیه زیر سؤال می‌رود، ما این مسائل را مطرح کردیم. در فیلم سراغ امام جمعه ایلام می‌رویم و از او می‌خواهیم که پاسخ بدهد، در واقع ما به عنوان یک مطالبه عمومی در جایگاه پرسشگری قرار گرفتیم و سعی کردیم که بدون پیش داوری و قضاوت گری به موضوع نگاه کنیم. ضمن اینکه قرار نیست در مسائل شخصی و زندگی خصوصی افراد تجسس کنیم. دغدغه ما این بود که مردم چنین عملکرد و رفتاری را از سوی برخی ائمه جمعه می‌بینند و برایشان سؤال ایجاد می‌شود. فیلم مستند «این منطقه آلوده به مین است» فیلمی کاملاً آخوندی است، قهرمان و ضد قهرمان، راوی و کارگردان این فیلم آخوند هستند.

برش

**این فیلم اصلاً سیاسی نیست چون دعواهای جناحی را قبول ندارم و معتقدم که این دو جناح سیاسی همچون دو تیغه قیچی ریشه انقلاب را می‌زنند. فیلم به اصول اولیه انقلاب برمی گردد اینکه آرمان‌های انقلاب چه بوده است؟**

**◆ خودتان را برای هجمه‌ها و مصلحت اندیشی‌ها آماده کرده بودید؟**

بله آماده کرده بودم اما دوست داشتم که فیلم نمایش داده شود و امیدوارم این اتفاق بیفتد.

**◆ شما درس طلبگی خواندید و با توجه به اینکه پدرتان هم بازیگر بوده و خودتان هم مستند ساز هستید و از فضای سینما دور نبودید، در پیوند این دو موضوع اولویتتان چه بوده است؟**

من در فیلمسازی‌ام، مسئله دین را اصل می‌دانم. آمده‌ام به وظیفه طلبگی‌ام در سینما عمل کنم. می‌دانم که سینما زبانی دارد و باید آن را یاد بگیرم، ادعایی هم ندارم که این زبان را بلدم. برخی مصلحت سنجی‌ها و پنهان‌کاری‌های حوزه را قبول ندارم و در فیلم به این مسائل می‌پردازم. شاید یکی از دلایل اینکه راوی فیلم من مهدی صدرالساداتی است، این باشد که او هم موافق با برخی مصلحت اندیشی‌ها نیست. اگرچه به جزئیات مواضعش کاری ندارم اما اصل تفکر و ساختارشکنی‌اش را قبول دارم و به عنوان سینماگر به این مسئله ورود پیداکردم.

**◆ چرا سبک زندگی ائمه جمعه برایتان مسئله بود؟**

حرف‌هایی که ائمه جمعه از تریبون نماز جمعه می‌زنند در رسانه‌های داخلی و خارجی انعکاس می‌یابد. ضمن اینکه یکی از مسائل مهم، عملکرد و رفتار ائمه جمعه است که برخی عملکردهای غلط هم برای مردم جامعه پرسش برانگیز شده است. اسفند سال گذشته این موضوع را با آقای صدرالساداتی مطرح کردم. طرح را به چند جا ارائه دادم تا از کار حمایت کنند اما قبول نکردند تا اینکه یک سرمایه‌گذار پیدا شد. می‌خواستم در این فیلم بگویم که امام جمعه کیست و چه نظارتی بر عملکردش وجود دارد؟ آیا همه ائمه جمعه براساس تعریف بی بی سی بد هستند یا براساس تعریف حوزه و رسانه‌های داخلی، خوب هستند؟ معتقدم که این قضاوت کلی، درست نیست. برای شناخت موضوع در این فیلم، مسیری را گشودیم که مسیر دشواری بود و از طرف دوستان داخلی و حوزویان هم بیشتر ضربه خوردیم.

**◆ یعنی با این موضوع برخورد سیاسی داشتند؟**

تجربه من نشان می‌دهد که دعواهای اصلاح طلب و اصولگرا هیچ کدام برای خدا نیست. شاید اگر فیلمی می‌ساختم که دولت را می‌زدم، دوستان اصولگرا از فیلم حمایت می‌کردند یا عکس آن. ولی این فیلم اصلاً سیاسی نیست چون دعواهای جناحی را قبول ندارم و معتقدم که این دو جناح سیاسی همچون دو تیغه قیچی ریشه انقلاب را می‌زنند. فیلم به اصول اولیه انقلاب برمی‌گردد اینکه آرمان‌های انقلاب چه بوده است؟ در این فیلم مسئله ساده زیستی و سبک زندگی ائمه جمعه را مطرح کردم، اینکه امام جمعه چقدر به حل مسائل و مشکلات مردم کمک می‌کند. یکی از ائمه جمعه که در فیلم به آن پرداختیم، پروازی است یعنی تهران زندگی می‌کند و پنجشنبه و جمعه به شهرستان می‌رود و بعد از خواندن نماز جمعه به تهران برمی‌گردد، متأسفانه از این موارد کم نداریم، این‌ها چطور می‌توانند مشکلات مردم را درک کنند؟! در فیلم جملاتی از فرمایشات امام(ره) آوردیم که می‌فرمایند: «اگر خدای ناکرده، روحانی هم بر خلاف اسلام عمل کند، او هم یک ساواکی است، فرق نمی‌کند، بدتر از ساواکی است». امام(ره) جملات تندتر از این هم دارند و اگر این جملات بدون صدای امام(ره) از سوی شخصی دیگر نقل شود، عده‌ای به او برچسب می‌زنند که ضد انقلاب است در حالی که می‌توان انقلابی و پیرو ولایت فقیه بود و به وضع موجود هم اعتراض داشت البته وضع موجود نه به معنای جناحی و سیاسی آن.

**◆ به دلیل سکوت روحانیت به مسائل و مشکلات جامعه و این تصور غلط که روحانی خوب، روحانی حجره نشین است، خالی شدن عرصه توسط روحانیون موجب شده که عده‌ای از مردم، روحانیت را مقصر یا بانی مشکلاتشان بدانند، آیا نسل جدید روحانیت و قشر جوان حوزه علمیه، انگیزه ورود به مسائل مردم را دارند؟**

اینکه مردم بخشی از مشکلاتشان را به روحانیت ارتباط می‌دهند را قبول دارم اما باید توضیح داده شود تا برداشت اشتباه نشود. حضرت آقا فرمودند که حوزه، مادر انقلاب است. امروز فرزند ۴۰ ساله حوزه با مشکلاتی مواجه شده که مادرش باید آن را رفع کند. چه کسی باید پاسخگو باشد؟ سکوت حوزه به معنای تأیید است. هرکسی که حرف می‌زند او را متهم می‌کنند که دارد نظام را تضعیف می‌کند. من هنوز در بین نسل جدید، تغییر دیدگاه ندیده‌ام که موضعگیری کنند و پای حرفشان بایستند. می‌دانند که فساد وجود دارد اما می‌گویند اگر از فساد گفته شود، نظام تضعیف می‌شود یا مردم ناامید می‌شوند در حالی که مردم از سکوت ما ناامید می‌شوند.

**◆ پیش‌بینی می‌کنید که این فیلم نمایش داده شود؟**

نمی‌دانم چون تا به حال فیلمم توقیف نشده بود. شاید من نخستین آخوند در طول عمر انقلاب اسلامی باشم که فیلمم توقیف شده است. من در این فیلم به عنوان یک طلبه فیلمساز، موضوعی را مطرح کردم و اصلاً پیرو تفکر شخص یا روحانی خاصی نیستم، آقای صدرالساداتی هم در این فیلم راوی ماجرا هستند. به نظرم همه باید حرفشان را بزنند وقتی در مملکت ما ضد انقلاب فیلم می‌سازد، چرا من نسازم؟

## یادداشت

آرش شفاعی

### غفلت سینمایی‌ها از نوبل ادبیات کودک و نوجوان

چندی پیش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در برنامه‌های مجزایی از چهار نامزد ایران در جایزه آسترید لیند گرن که از آن به عنوان جایزه نوبل ادبیات کودک و نوجوان یاد می‌شود، تقدیر کرد.

این چهار نامزد یعنی هوشنگ مرادی کرمانی، علی اصغر سیدآبادی، فرهاد حسن‌زاده و جمشید خانیان هستند که از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، شورای کتاب کودک، انجمن نویسندگان کودک و نوجوان و مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودک برای کسب این جایزه معتبر جهانی که به چهره‌های برجسته مؤثر در حوزه ادبیات و ترویج کتابخوانی کودکان اهدا می‌شود، معرفی شده‌اند.

یکی از ملاک‌های اصلی اعطای جایزه، بررسی میزان تأثیرگذاری در سطح ملی و جهانی است و بر این اساس نامزدهایی که در کشور خود بیشترین تأثیر را بر حوزه‌های مختلف گذاشته باشند، در اولویت هستند. ضمن اینکه برگزاری مراسم مختلف، تجلیل، تبلیغ این چهره‌ها و بازتاب آن به نهاد برگزاری جایزه می‌تواند امکان برگزیده شدن نامزدها را بالا ببرد. در این راستا، نهادهای متولی موضوع ادبیات و کتاب در بخش‌های دولتی و غیردولتی به سهم خود هرکدام قدمی برای نزدیک شدن ایران به این افتخار جهانی را برداشته‌اند اما به نظر می‌رسد دیگر حوزه‌های فرهنگی و هنری در این زمینه دچار غفلت هستند.

یکی از حوزه‌هایی که در این زمینه اقدام مناسبی صورت نداده است، حوزه سینماست. سینماگران و نهادهای دولتی و غیردولتی مؤثر در این حوزه از اهمیت جایزه یاد شده غافل مانده‌اند و به نظر می‌رسد وقت آن رسیده است که آن‌ها نیز حداقل درمورد یکی از نامزدهای مهم ایران یعنی هوشنگ مرادی کرمانی گامی بردارند.

سینمای ایران به نویسندگان ایرانی بخصوص به مرادی کرمانی وامدار است. اگرچه مرادی کرمانی فیلمنامه نویس به معنای رسمی و رایج آن نیست اما داستان‌های او که همواره خلقیات، ویژگی‌های فرهنگی و بومی مردم کشورمان را به ساده‌ترین و شیواترین شکل بازتاب داده است، مورد توجه سینماگران بوده است و آثار مهمی در حوزه سینما و تلویزیون از نوشته‌های او اقتباس شده است.

بی‌گمان بسیاری از ایرانیان با مجموعه تلویزیونی قصه‌های مجید که آن را کیومرث پوراحمد با اقتباس از مجموعه کتاب‌های قصه‌های مجید ساخت، خاطره دارند. پوراحمد دراین مجموعه و نیز دو فیلم سینمایی که در ادامه آن ساخت «شرم» و «نان و شعر» توانست پیوند خوبی میان متن داستان‌های گیرا و شخصیت‌پردازی جذاب مرادی کرمانی و سینما و تلویزیون ایجاد کند.

ابراهیم فروزش نیز توانست با استفاده از کتاب «خمره» مرادی کرمانی، فیلمی به همین نام بسازد که این فیلم مجموعه‌ای از جوایز بین المللی از جمله یوزپلنگ طلایی جشنواره فیلم لوکارنو را برای سینمای ایران به ارمغان آورد. از این کتاب همچنین مجموعه انیمیشنی به کارگردانی علی احمدی ساخته شد که در بخش مسابقه پنجاه و یکمین دوره جشنواره بین‌المللی انسی فرانسه نمایش داده شد.

دیگر کارگردان ایرانی که از آثار مرادی کرمانی استفاده زیادی کرده است، محمدعلی طالبی است. فیلم‌هایی که او با اقتباس از آثار مرادی کرمانی ساخته است، یعنی «چکمه»، «تیک تاک»، «ماه شب چهارده» و «کیسه برنج» موفق‌ترین فیلم‌های او بوده است و مجموعه‌ای از نمایش‌های جهانی و جوایز را نصیب او و سینمای ایران کرده است. «مربای شیرین» ساخته مرضیه برومند، «تنور» ساخته فرهنگ خاتمی، «تک درخت ها» اثر سعید ابراهیمی فر و «گوشواره» ساخته وحید موسویان دیگر آثار اقتباسی از مرادی کرمانی است.

اما اقتباس از آثار مرادی کرمانی تنها محدود به فیلمسازانی که در حوزه فیلم کودک و نوجوان، فیلم می‌سازند نبوده است بلکه حتی کارگردانی مهم و صاحب سبک چون داریوش مهرجویی هم یکی از موفق‌ترین آثارش یعنی «مهمان مامان» را با استفاده از آثار این نویسنده ساخت. این فیلم در بیست و دومین جشنواره فیلم فجر در ۱۰ رشته نامزد شد و موفق به کسب سه سیمرغ بلورین از جمله سیمرغ بلورین بهترین فیلم شد.

چنانکه می‌بینیم اعتباری که مرادی کرمانی برای سینمای ایران و برای کارگردانان سازنده آثارش کسب کرده است، کم مانند بوده است و اگر نهادهای سینمایی ایران در یکی از رویدادهای مهم و رسمی پیش روی سینمای کشور، دین خود را به او ادا کنند؛ اعتبار این نویسنده معتبر برای کسب جایزه‌ای بزرگ برای ایران را افزایش خواهند داد.

## خبر و نظر

### برند «برنده باش» و درایت مدیران سیما!

سیما و سینما/ فاطمه عامل نیک | جشنواره «جام جم» هم اختتامیه‌اش را برگزار کرد و جوایزش تقسیم شد. در این بین عده‌ای از طرف هیئت داوران مورد توجه قرار گرفتند و افرادی هم جایزه شان را از دست مردم دریافت کردند. در این میان افرادی هم بودند که به نحوه‌ی داوری ها اعتراض داشتند. اما قسمت قابل توجه این جشنواره نارضایتی ناکامان نبود. زیرا این قبیل اتفاقات و اعتراض‌ها می‌تواند روال هر جشنواره‌ای باشد. واقعاً نیمه شب سه شنبه برندگان سخنان مهم‌تری بیان کردند. سخنانی که هر کدام می‌توانند نشانگر مسیر طی شده تلویزیون بخصوص شبکه سه در سال گذشته باشند و همچنین نقشه آینده این سازمان را هم نشانمان بدهند. در جشنواره «جام جم» تندیس و لوح جشنواره در بخش اجرای مسابقه به محمدرضا گلزار برای اجرای مسابقه «برنده باش» رسید. گلزار در سخنانی گفت: در راه فکر می‌کردم اگر قسمتم بود بیایم بالا از چه کسی باید تشکر کنم. از مردم تشکر می‌کنم که اعتبار سال‌ها کار در سینما و موسیقی و اخیراً در تلویزیون را از آن‌ها دارم. مردم سبب شدند تا «برنده باش» یکی از دو برند تلویزیون شود و از مدیران، مردم و طرفدارانم هم تشکر می‌کنم. وی ادامه داد: از مدیر با درایت شبکه سه آقای فروغی و از برادرم آقای کریمان مدیر گروه اجتماعی شبکه سه هم تشکر می‌کنم. پس از شنیدن سخنان او این سؤال برایمان مطرح می‌شود که آیا در حقیقت «برنده باش» به یکی از دو برند تلویزیون تبدیل شده است؟ ایشان براساس کدام آمار و ادله این نشان افتخار را از مردم کسب کرده اند؟ آیا این برنامه مطلقاً کپی با سؤالات خام که از طرفی به خیریه‌ای برای مردم و از طرف دیگر وسیله‌ای برای واریز شدن سودهای آنچنانی به جیب اسپانسرها شده است، قابلیت این را دارد که اصلاً در جایگاه برند تلویزیونی قرار بگیرد؟ اگر قرار گرفته است قرار است بازنمای چه تصویری از تلویزیون جمهوری اسلامی ایران باشد؟ آیا این تصویر شایسته این عنوان و سازمان است؟ آیا مدیران تلویزیون در خلوت خودشان هم می‌توانند سرشان را بالا بگیرند و از این به اصطلاح برند راضی باشند؟ و در پایان آیا در حقیقت برنامه «برنده باش» نشان درایت مدیران سیماست یا...؟!

## خبر و نظر

### چرخش تلویزیون از «ماه عسل» به «عصر جدید»

سیما و سینما/ زهرا اردکانی | سه‌شنبه شب ۲۱ اسفند ماه مراسم اختتامیه پنجمین دوره از جشنواره «جام جم» در مرکز همایش‌های صداوسیما برگزار شد. یکی از اتفاقات مهم این مراسم خبر جدیدی بود که احسان علیخانی اعلام کرد. وی که جایزه بهترین اجرا را برای برنامه «ماه عسل» دریافت کرده بود، به روی سن آمد و گفت طی جمع‌بندی که با سازمان صدا و سیما داشته است، بعد از ۱۲ سال برنامه «ماه عسل» را پایان می‌دهد و «عصر جدید» را آغاز می‌کند.

«ماه عسل» برنامه گفت‌وگو محوری است که به موضوعات اجتماعی از دل داستان‌های واقعی می‌پردازد. داستان‌هایی که معمولاً بر تلاش و امید استوار است. افرادی که توانستند بر مشکلات زندگی با ایستادگی غلبه کنند. اما در یک، دوسال اخیر سبک و سیاق برنامه «ماه عسل» با انتقاداتی مواجه شده است. مخاطبان آن را برنامه‌ای غمگین نامیدند که در لحظات نزدیک به افطار اشک آن‌ها را در می‌آورد!

شاید این مواجهه جدید با برنامه «ماه عسل» را بتوان به برنامه‌های رقیبش که برنامه‌های شاد و پرطرفداری مانند «دورهمی» و «خندوانه» هستند ربط داد. همچنین شرایط سخت اقتصادی و اجتماعی کنونی در این تغییر ذائقه بی‌تأثیر نمی‌باشد. شرایط اخیر، تلویزیون را برای مخاطبان تبدیل به وسیله‌ای برای رهایی از فشارهای روزمره و رسیدن به آرامش و شادی کرده است. از سوی دیگر مشکلات مالی

سازمان صدا و سیما و حضور گسترده اسپانسرها، تغییراتی را در ساختار محتوایی و فرمی برنامه‌سازی در تلویزیون ایجاد کرده است. در نتیجه تمامی این تغییرات، سازندگان و مدیران تلویزیون، در ابعاد وسیع به ساخت برنامه‌های سرگرمی محور پرداخته‌اند. این تغییر رویکرد در تلویزیون، احسان علیخانی و مدیران شبکه سه را نیز از «ماه عسل» به «عصر جدید» کشانده است. حذف برنامه اجتماعی و پرمحتوایی همچون «ماه عسل» سؤالی که در این تصمیم جدید سازمان صدا و سیما مطرح است؛ این است که آیا تمام نیاز فعلی جامعه در سرگرمی و برنامه‌های سرگرمی محور خلاصه می‌شود؟ آیا تلویزیون تنها وظیفه سرگرم کردن و ساختن لحظات شاد را برای مخاطبان به عهده دارد؟

پذیرش ۳۷۰۸۸ آگهی

آگهی تغییرات شرکت معمار گستران اقلیم هشتم سهامی خاص به شماره ثبت ۴۴۴۸۷ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۶۰۵۸۰۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷،۰۴،۰۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : نشانی مرکز اصلی شرکت از محل قبلی به آدرس استان خراسان رضوی شهرستان مشهد بخش مرکزی شهر مشهد محله کوهسنگی بلوار ابوذرغفاری خیابان ابوذرغفاری ۳۱ (ناصرخسرو ۲۸) پلاک ۸۷ ساختمان آدرینا طبقه اول واحد ۴ کدپستی ۹۱۷۶۸۴۳۶۹۷ تغییر نمود و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق الذکر تغییر یافت.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۴۱۳۷۰۴)

س ۹۷۱۸۶۲۷

آگهی تغییرات شرکت الکترو پشتیبان توس شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۶۰۷۶۳ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۵۸۲۹۹۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷،۱۱،۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ۱ - اعضای هیئت مدیره برای مدت دو سال عبارتند از آقای عباس محمدزاده طبسی به شماره ملی: ۰۹۳۷۵۱۲۸۵۰ و آقای مجید محمدزاده طبسی به شماره ملی: ۰۹۳۰۶۱۰۴۹۰ و آقای هادی محمدزاده طبسی به شماره ملی: ۰۹۳۰۶۱۰۵۰۴

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۴۱۳۷۰۸)

ع ۹۷۱۸۶۳۰

آگهی تغییرات شرکت معمار گستران اقلیم هشتم سهامی خاص به شماره ثبت ۴۴۴۸۷ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۶۰۵۸۰۷

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷،۰۴،۰۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - آقای کیهان ساجدی کدملی ۰۹۳۲۲۳۲۲۴۸ بسمت رئیس هئیت مدیره و آقای وحید رزاقی بهار کدملی ۰۹۳۸۷۷۴۵۲۲ بسمت عضوهئیت مدیره ومدیرعامل و آقای حسین شکفته کدملی: ۰۸۸۹۳۶۷۴۷۷ بسمت نائب رئیس هئیت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند . کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک ،سفته و بروات و عقد عقود اسلامی با امضاء مدیرعامل به همراه مهر شرکت معتبر خواهد بود .

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۴۱۳۷۰۵)

س ۹۷۱۸۶۲۸

آگهی تغییرات شرکت مهندسی سایبان سرو ترشیز شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۵۵۰ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۱۴۳۰۲۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷،۰۸،۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ۱ - اعضاء هیئت مدیره برای مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: آقای مهدی جنیدی به شماره ملی ۵۷۲۹۷۵۸۳۶۷ و خانم ملیحه جنیدی به شماره ملی ۱۰۵۰۴۴۵۱۳۹ و آقای سعید شکری به شماره ملی ۰۸۹۰۰۸۲۹۸۷ ۲-آقای محمد ربیعی به شماره ملی ۵۷۲۹۷۴۵۳۳۸ به عنوان بازرس اصلی و آقای مهدی ربیعی به شماره ملی ۵۷۲۹۲۶۵۱۷۴ به عنوان بازرس علی البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری کاشمر (۴۱۳۶۴۵)

س ۹۷۱۸۶۳۶

آگهی تغییرات شرکت معمار گستران اقلیم هشتم سهامی خاص به شماره ثبت ۴۴۴۸۷ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۶۰۵۸۰۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷،۰۴،۰۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : نامبردگان ذیل به عنوان اعضای اصلی هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند : آقای کیهان ساجدی کدملی ۰۹۳۲۲۳۲۲۴۸ آقای وحید رزاقی بهار کدملی ۰۹۳۸۷۷۴۵۲۲ حسین شکفته کدملی ۰۸۸۹۳۶۷۴۷۷ - خانم عاطفه افشار پور کدملی ۰۹۴۵۹۴۸۶۰۳ به سمت بازرس اصلی و آقای آرمین طالبیان کدملی ۰۹۰۱۳۷۱۶۴۵ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یکسال انتخاب گردیدند.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۴۱۳۷۰۷)

س ۹۷۱۸۶۲۹

قدس زندگی
روزنامه صبح ایران
ایستگاه
۱۶ پنجشنبه ۲۳ اسفند ۱۳۹۷
۷ رجب ۱۴۴۰ | ۱۴ مارس ۲۰۱۹ | سال سی و دوم | شماره ۸۹۲۷

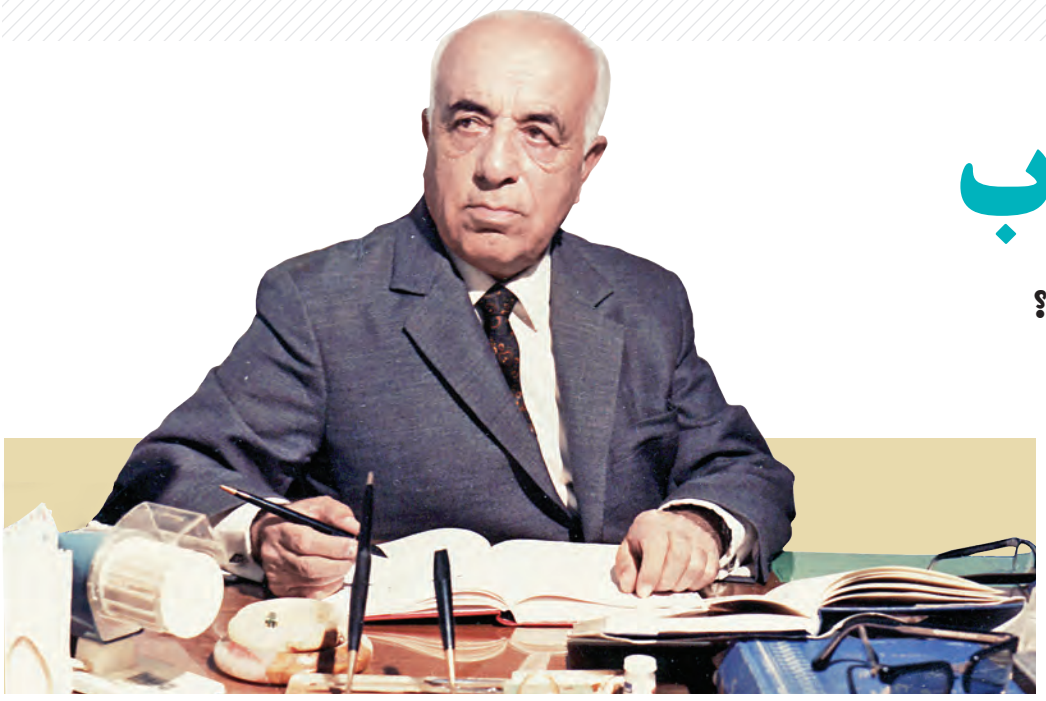

گزارش از شخص

# دانشمند گلِ گلاب

## درباره «حسین گل گلاب» و سرود «ای ایران» چه می‌دانید؟

ایستگاه/ مجید تربت زاده

کمتر کسی پیدا می‌شود که سرود «ای ایران» را نشنیده باشد. اما تا دلتان بخواهد ایرانی‌هایی را سراغ داریم که هنوز نمی‌دانند شعر این سرود را چه کسی سروده است! سوژه امروز از جمله شخصیت‌هایی است که کم لطفی ما ایرانی‌ها به شکلی مضاعف شامل حالش شده است. سروده‌اش را بیشتر از خودش می‌شناسیم و دوست داریم و در ضمن نمی‌دانیم شاعر «ای ایران» دانش و هنرهای دیگری هم از سر و مغز و انگشتانش می‌باریده است. کمترین لطمه‌ای که این «نشناختن» به شخصیت و آثار «حسین گل گلاب» می‌زند این است که خیلی هایمان، این سرود را نه یک اثر ملی و میراث فرهنگی، بلکه فقط ترانه و سرودی مثل هزاران ترانه دیگر می‌دانیم.

### دارالفنون

«حسین گل‌گلاب» ۱۲۳ سال پیش در تهران به دنیا آمد. فرزند «ابوتراب خان» معروف به «مهدی مصورالملک» بود که نقاش و عکاس سرشناس دوره قاجار به حساب می‌آمد و بیشتر در نقاشی روی سنگ مهارت داشت. می‌گویند نقاشی‌های برخی از روزنامه‌های آن زمان از جمله آثار او بوده است. پدر نقاش فقط به آموختن هنرش به «حسین» اکتفا نکرد. چون با موسیقیدانان همدوره‌اش رفاقت و نشست و برخاست داشت، فرزندش را هم با موسیقی آشنا کرد تا «حسین» نواختن تار و سه تار را کامل یاد بگیرد و بعد هم که مدرسه موسیقی وزیری راه افتاد، از نخستین شاگردانش بشود. گرایشش به موسیقی البته تفننی و گاه و بیگاه نبود، به طوری که بعدها در کنار افرادی چون «کلنل کاظم وزیری» و «علینقی خان وزیری» موسیقی را جدی‌تر ادامه داد و حتی در مدرسه وزیری به تدریس هم پرداخت. البته فکر نکنید «حسین» از جمله نوجوان‌ها و جوان‌هایی بود که چون دل و دماغ درس خواندن را ندارند، همه استعداد و توانشان را می‌گذارند روی یک رشته هنری تا از شر درس و مدرسه خلاص شوند. او برای تحصیلات مقدماتی به مدرسه علمیه رفت و وقتی هم نوبت به دوره متوسطه رسید، دانش آموز دارالفنون شد که درس خواندن در آن کار هر کسی با هر میزان توان و استعداد نبود.

### متخصص علوم طبیعی

برای اینکه باور کنید «حسین گل گلاب» دانش‌آموزی عادی و معمولی نبود، همین اول مطلب می‌گوییم که در «دارالفنون» و خیلی از مدارس درست و حسابی آن روزگار رسم بود که دانش‌آموزان تیزهوش و نخبه می‌توانستند در حین تحصیل در کلاس‌های بالاتر، برای دانش‌آموزان کلاس پایین‌تر تدریس کنند. «حسین» هم که درس‌های عادی «دارالفنون» انگار برایش کم بود، موسیقی می‌خواند و زبان فرانسه، انگلیسی و تا حدودی روسی را هم می‌خواند، وسط گرفتاری‌هایش زمانی را هم به تدریس اختصاص داده بود. تقریباً ۲۱ سال داشت که تحصیل در دارالفنون را تمام کرد و از ۲۴ سالگی هم به صورت رسمی و برای مدت سه سال علوم طبیعی را در این مدرسه تدریس کرد. برای جوان‌ترهایی که مطلب را می‌خوانند باید این نکته را روشن کنیم که منظور از «علوم طبیعی» آن دوره، همین درس‌هایی است که امروزه دانش‌آموزان و دانشجویان ما در قالب رشته علوم تجربی و شاخه‌های مختلف آن مثل زیست شناسی، پزشکی، فیزیک، شیمی و... می‌خوانند. پس یادمان باشد که سازنده شعر «ای ایران» تخصص اصلی‌اش نه شاعری و ادبیات و نه موسیقی بود. آثاری هم که از او به جا مانده، بیشتر از اینکه در زمینه شعر و موسیقی باشد، در زمینه تخصصی‌اش یعنی علوم طبیعی است، اما این آثار و یادگارها با همه اهمیت و کاربردی که دارند به اندازه «ای ایران» مشهور و مورد توجه نیستند.

### فارغ از سیاست و تجارت

جالب اینکه او در طول سال‌های ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۷، هم در دارالفنون درس داده هم در این مدت ۱۲ جلد کتاب در زمینه علوم طبیعی تألیف کرده و هم اینکه به مدرسه عالی حقوق رفته و در رشته علوم قضایی و سیاسی لیسانسش را گرفته است. با این مدرک تحصیلی برایش آسان بود که وارد دنیای سیاست و حتی تجارت شده و به تصور خیلی‌ها برای خودش کسی بشود. «گل گلاب» اما بیشتر از هر چیزی روحیه و انگیزه پژوهش، آموختن و آموزاندن دارد. برای همین شما در زندگینامه‌اش می‌خوانید که: «در سال ۱۳۰۷ مسئولیت تحقیقات عملی گیاه‌شناسی در دانشکده پزشکی را به‌عهده می‌گیرد... چند سال در دبیرستان نظام و دانشکده پزشکی گیاه‌شناسی تدریس می‌کند... در سال ۱۳۱۴ موفق به دریافت درجه دکتری در رشته علوم می‌شود تا در دانشسرای عالی و گیاه‌شناسی در دانشکده پزشکی، فیزیولوژی گیاهی را تدریس کند... به عضویت فرهنگستان ایران درمی آید و بعد هم مدیرکل این فرهنگستان می‌شود... در سال ۱۳۲۴ در دانشکده پزشکی، معاون پروفسور «اوبرلین فرانسوی» که رئیس دانشکده بود، می‌شود... در سال‌های بعد مدیرکلی دبیرخانه دانشگاه و ریاست انجمن بیولوژی ایران را به‌عهده می‌گیرد... چند سفر پژوهشی و علمی به کشورهای اتحاد جماهیر شوروی، بلژیک و انگلستان انجام می‌دهد... در کنار مسئولیت هایش به مدت ۲۵ سال به فعالیت‌های علمی و اجتماعی مختلف مشغول می‌شود... در راه اندازی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در شهرهای مختلف مشارکت دارد... سال ۱۳۴۵ از خدمات دولتی بازنشسته می‌شود و...».

### گلبرگ‌سازی

اگر آنچه بالاتر گفتیم را نگفته بودیم شاید برایتان سخت بود که باور کنید خیلی از کتاب‌های جغرافیا و علوم طبیعی آن زمان را او برای نخستین بار به شکل نوین تألیف و تدوین کرد تا سال‌ها در مدارس ایران تدریس شود. بالاتر از این، بسیاری از اصطلاحات و اسامی فارسی مانند: کاسبرگ، جلبک، قارچ و... که امروزه در گیاه شناسی و برخی علوم طبیعی دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد از ساخته‌های اوست. «کامران فانی» - نویسنده و نسخه پژوه - در این زمینه می‌گوید: «من شاگرد ایشان در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران بودم... یک کار مهم استاد «گل گلاب» که مغفول هم مانده، نقش ایشان در ساختن واژه‌های علمی به زبان فارسی است... آن موقع حتی خود ما به گلبرگ، پتال می‌گفتیم... ایشان با شم زبانی که داشتند، با علاقه‌ای که به شعر داشتند، علاقه‌ای که به زبان فارسی داشتند و همچنین تسلط بر چند زبان، می‌توانستند معادل‌های خیلی خوبی پیدا کنند...».

با وجود انبوه فعالیت‌ها و آثار تخصصی در زمینه علوم طبیعی، معلوم نیست کی و چطور «گل گلاب» بیش از ۵۰ قطعه نمایش کلاسیک برای هنرستان هنرپیشگی ترجمه کرده، برای کودکان سرود و ترانه ساخته است، نقاشی کشیده و خیلی هم عکاسی کرده است. وقتی دوربین و سه پایه عکاسی‌اش را بر می‌داشت و همراه «روح‌الله خالقی» آهنگساز و یا استادش « کلنل وزیری» به کوه و بیابان می‌زد، هم حال و هوایش عوض می‌شد هم ذوق موسیقیایی‌اش در دل طبیعت گل می‌کرد و هم ازگونه‌های مختلف و پوشش گیاهی ایران عکاسی می‌کرد تا بعد آن‌ها را در کارهای علمی و پژوهشی‌اش به کار بگیرد. می‌گویند او نخستین کسی است که آزمایشگاه‌های گیاه‌شناسی ایران را به میکروسکوپ مجهز کرد و دخترش «هما گل گلاب» مدعی است که نخستین عکس‌های رنگی گرفته شده در ایران، کار پدرش بوده است.

### از قلب و فکرش بیرون آمد

آخر مطلب به جای اینکه فقط از مرگش در اسفند سال ۱۳۶۳ و یا خاطرات شخصی‌اش بگوییم، اجازه بدهید از «ای ایران» حرف بزنیم. داستانش را خیلی‌ها گفته‌اند که «حسین گل گلاب» دورانی که ایران در اشغال متفقین بود، در خیابان چشمش به سربازی انگلیسی می‌افتد که در حال کتک زدن یک دکاندار ایرانی است. وقتی یک افسر ایرانی پیدا می‌شود و مداخله می‌کند، سرباز اشغالگران به او هم سیلی می‌زند و... « گل گلاب» با دیدن این صحنه متأثر می‌شود، با چشم گریان به دیدن «روح‌الله خالقی» می‌رود و ماجرا را تعریف می‌کند... روح الله خالقی می‌گوید، ناراحتی فایده‌ای ندارد... بیا کاری کنیم و سرودی بسازیم. همانجا مرحوم «گل گلاب» شروع به زمزمه شعری می‌کند، خالقی هم آهنگش را می‌سازد و... در نهایت «ای ایران» ساخته می‌شود.

دکتر «هما گل گلاب» که در تحصیل و فعالیت علمی دنباله رو پدر شده، اما می‌گوید: «پدر یک ایرانی وطن‌پرست بود... ایران را دوست داشت و هر کاری برای ایران کرده از قلب و فکر او بیرون آمده است... ایشان از حضور متفقین در ایران بسیار ناراحت بودند، اما ماجرایی که در مورد سیلی خوردن یک افسر ایرانی از یک افسر انگلیسی در حضور وی، از قول پدرم نقل می‌شود، به هیچ وجه رخ نداده و من بارها این موضوع را تکذیب کرده‌ام...»!

## کلیدها

روزنوشته‌های علی‌محمد مؤدب

### حکایت درجه یک‌ها و درجه دوها

هر طبقه‌ای از استعداد، به کاری می‌آید. فرض کنید در کار نقاشی یک عده به کار خلاقیت و تولید محتوا و پیش بردن زیبایی شناسی و بیان می‌آیند. یعنی آدم‌های درجه یک ارزششان معلوم است. یک عده هم کارشان چیز دیگری است. آن‌هایی که به نظر ما ضعیف‌ترند برای این آمده‌اند که تجربه درجه یک‌ها را دریافت و ثبت کنند. کار درجه دوم‌ها ثبت و ضبط است. اسناد را درجه دوم‌ها حفظ می‌کنند. آن‌ها با درجه یک‌ها عکس می‌گیرند، از درجه یک‌ها پرسش می‌کنند، دستخط و یادگاری می‌گیرند و درباره درجه یک‌ها حرف می‌زنند و با این کارها به ترویج آثار درجه یک‌ها کمک می‌کنند.

ما معمولاً ذوق زده درجه یک‌ها هستیم. مشتاق دیدار با قله‌ها و بهترین‌های هر کاری هستیم و ارزش استعدادهای پایین‌تر را در نمی‌یابیم. واقعیت این است که استعدادهای پایین‌تر اگر تزکیه شده باشند و از حرص و هوا و حسد پاک شده باشند خیلی به کار می‌آیند و کارشان کم از درجه یک‌ها نیست. آن‌ها برای تثبیت، ترویج و بازگویی و گفتمان سازی به دنیا آمده‌اند. درست است که حرف اصلی را استعدادهای به اصلاح برتر می‌آورند، ولی درجه دوم ها هم کاری دارند. هیچ کس به خوبی یک درجه دو نمی‌تواند همه چیز را ثبت و ضبط کند. آن‌ها مسئول بایگانی کردن همه چیز هستند و حتی کارت دعوت‌ها و کارت تبریک‌ها را نگه می‌دارند. خاطراتشان را بسیار منظم‌تر از درجه یک‌ها می‌نویسند و به یاد دارند. با همه درجه یک‌ها عکس دارند و به خوبی می‌توانند نظریاتشان را توضیح بدهند.

درجه دوم‌ها در واقع درجه دوم نیستند؛ ما چون آن‌ها را با درجه یک‌ها می‌سنجیم ارزیابی مان این می‌شود که آن‌ها درجه دو هستند و استعداد کمتری دارند. اما آن‌ها برترین‌های ترویج و گفتمان‌سازی هستند. خیلی بهتر و موفق‌تر از درجه یک‌ها جبهه را گسترش می‌دهند و حرف را از جایی به جایی می‌برند. مشکل ما مقایسه کردن است. نباید کسی را با کسی مقایسه کرد. هر کسی را با خودش باید سنجید و با کاری که دوست دارد و انجام می‌دهد. باید ببینیم از عهده کاری که انجام می‌دهد به درستی بر می‌آید یا نه؟ در این مسیر است که هر کسی عزت خودش را باز می‌یابد و در نتیجه چشم به ابرو فخر نمی‌فروشد. مقایسه کردن و سنجیدن هم کمک به فهم ماست و هم مانع فهم ماست. چشم، کاری می‌کند و ابرو کاری. معنای دیگر هر کسی را بهر کاری ساخته‌اند این است!

## نشریات جهان

ایستگاه/ امیر محمد سلطان پور

### بازی تمام شد

هفته نامه «اینترتینمنت ویکلی» در تازه‌ترین شماره خود، پرونده‌ای ویژه در آستانه پخش نخستین قسمت از آخرین فصل سریال مشهور بازی تاج و تخت منتشر کرده است. این نشریه علاوه بر اختصاص ۷۸ صفحه به فصل آخر این سریال، ۱۶ طرح روی جلد نیز برای جدیدترین شماره خود که همگی حاوی شخصیت‌های این سریال هستند، منتشر کرده که در اینجا یکی از آن‌ها یعنی شخصیت جان اسنو با بازی کیت هرینگتون را می‌بینیم. تیتر این شماره پرونده ویژه «اینترتینمنت» ویکلی نیز «بازی تمام شد» انتخاب شده است.

### کدام پلاستیک‌ها خطرناکند؟

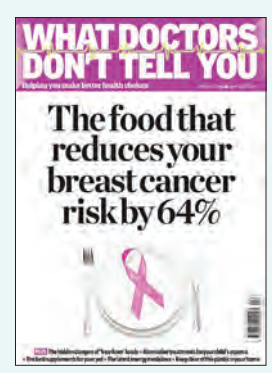


ماهنامه پزشکی و سلامت «وات داکترز دونت تل یو» یا «آنچه دکترها به شما نمی‌گویند» در تازه‌ترین شماره خود پرونده‌ای را به سرطان سینه اختصاص داده و جدیدترین یافته‌ها در راه پیشگیری از آن را معرفی کرده است. این نشریه خوراکی‌هایی را معرفی می‌کند که با خوردن آن‌ها می‌توان شانس ابتلا به این سرطان را به میزان ۶۴ درصد کاهش داد. این مجله همچنین در مقاله‌ای، از خطرات پنهان در هر نوع غذایی که شکل مشخصی را نمی‌توان به آن‌ها داد سخن گفته و پلاستیک‌های خطرناک در خانه را نیز معرفی کرده است.

### ترفند «استریمینگ»

ماهنامه حوزه کامپیوتر و فناوری «تک لایف» در تازه‌ترین شماره خود، بهترین راه‌ها و یکی از شیوه‌های محبوب این روزها در اشتراک گذاری اینترنتی را معرفی کرده است. «استریمینگ» به عملی گفته می‌شود که می‌توان دیدن یا شنیدن فایل‌های ویدئویی و صوتی را پیش از تمام شدن دانلود آن‌ها شروع کرد. این نشریه در این شماره خود، همین ترفند را زیر ذره‌بین قرار داده و بهترین ابزارها برای این کار را معرفی کرده است. «تک لایف» نگاهی نیز به پایان یافتن به روزرسانی ویندوز ۷ توسط مایکروسافت و پیامدهای منفی احتمالی آن انداخته است.

## منهای سیاست

### من، مرحوم پدربزرگ و معاون اول

م.ظرافتی:

**جهانگیری: توانستیم سال را با موفقیت پشت سر بگذاریم!**

آدم بعضی حرف‌ها را که می‌شنود، تازه متوجه می‌شود موفقیت از دیدگاه آدم‌ها چقدر تفاوت دارد. منظور اینکه برای یکی کمیت ملاک است و برای دیگری کیفیت و برای برخی هم هیچ کدام! مثلاً در دوران دبیرستان موفقیت از نظر من گرفتن نمره ۷ و پاس کردن درس با کمک تک ماده بود، اما پدرم می‌گفت یک دانش آموز موفق باید حداقل ۱۰ را بگیرد و از آن طرف مادرم معتقد بود نمره زیر ۱۸ اصلاً موفقیت به حساب نمی‌آید! پدربزرگ هم می‌گفت همین که در انتهای سال تحصیلی از مدرسه اخراج نشوی یعنی موفقیت... حالا رفوزه هم شدی اشکال ندارد!

پس از خواندن این جمله آقای جهانگیری احساس کردم پدربزرگم نقاط فکری مشترک زیادی با آقای جهانگیری و سایر اعضای دولت داشته است! مرحوم نه کیفیت برایش مطرح بود و نه کمیت و همیشه به کم قانع بود. به همین خاطر هروقت می‌رفتیم خانه اش، فقط یک وعده غذا شامل نان خشک و ماست به ما می‌داد. هرچه می‌گفتیم، پدربزرگ تا نمردیم یک چیزی بده بخوریم، می‌گفت، خدا را شکر کنید که همین یک لقمه نان و ماست هست! فردایش که بی‌رمق و بیهوش از حیاط خانه جمعمان می‌کردند، باز یک لقمه ماست می‌گذاشت داخل دهنمان و می‌گفت: «موفقیت یعنی اینکه امروز را هم پشت سر گذاشتیم»!

دم عید که می‌شد از پدربزرگ می‌پرسیدیم، عیدی امسالمان چیست؟ پدربزرگ هم می‌گفت، عیدی من به شما این است که خانه را تمیز کنید که وقتی میهمان می‌آید آبروی من نرود.

مرحوم کلاً کم پیدا بود. یعنی اسماً پدربزرگ ما بود ولی رسماً هیچکاره بود و ما سال به سال او را نمی‌دیدیم. در طول سال‌های حیاتش هیچ خیری از او به ما نرسید و حتی زمانی که مرحوم شد هم نه تنها ارثی باقی نگذاشت بلکه کلی هزینه و قسط و قرض هم روی دوش ما انداخت، به طوری که تا سالیان سال نتوانستیم کمر صاف کنیم چون مشغول صاف کردن قسط و قرض‌های پدربزرگ بودیم!

خلاصه ما همیشه با پدربزرگمان بر سر موفقیت و پارامترهایش اختلاف نظر داشتیم. پدربزرگ حتی در پسِ بزرگ‌ترین شکست‌ها هم پیروزی را می‌دید و معتقد بود چون پدربزرگ ماست، حتی اگر شکست هم بخورد باز موفق است... شما هم فکر می‌کنید میان افکار مرحوم پدربزرگ ما و مرحوم معاون اول و محترم رئیس جمهور شباهتی وجود دارد؟ همکارانم اشاره می‌کنند: مرحوم، خودت و آن پدربزرگت هستید... آقای جهانگیری تا اطلاع ثانوی در قید حیات می‌باشند!

## روزمره‌نگاری

### یک خط مهربانی

رقیه توسلی

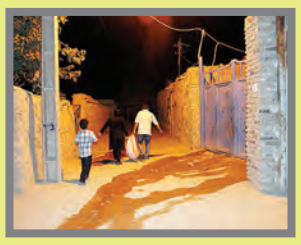

قبول ندارم که بیداری تا پاسی از شب، حال آدم را می‌ریزد به هم، پریشان و گیج می‌کند و.... ما دقیقاً برعکسش را تجربه کردیم!

کاش بدانید ۱۱ شب به بعد، لغزیدن بین کارتن خشکبار و بسته‌بندی جعبه‌های شوینده و خوراکی چقدر به زندگی کردن بالای ابرها شبیه است! به انیمیشن‌های شاد والت دیزنی!

آن وقت که گروه ۱۴ نفری مان، کشف می‌کنیم گاهی شب بیداری عسل است و به آن بلندی که شعرا و عرفا می‌فرمایند نیست. هزار الحمدلله که گرانی هم نتوانست مانع خیر شود و امسال باز مردم نیکوکار آستین بالا زدند و دلشان برای خلق بی بضاعت تپید

به چشم خودمان دیدیم که جمع واریزی‌ها، رقم خوشگلی شد و حساب خیریه برای سبد عید نلنگید.

اسکناس‌ها، کالا شدند، کالاها رفتند توی پلاستیک‌ها، آدرس‌ها بین اعضای گروه تقسیم شد و شب‌پیمایی عاشقانه گروهی کلید خورد.

از رنگ و روی گشاده و شادمانی همه خانه‌ها و صاحبخانه‌ها می‌گذرم... اما از دو عمارت خاص، نه... نمی‌توانم... می‌خواهم آدم‌هایش را رو کنم.

عمارت اول: ۵۰ متر... خانه اجاره‌ای با مادری شاید با ارفاق ۴۰ کیلویی و دختربچه‌ای سه ساله.

او می‌گفت، دو روز است فقط نان و آب خورده‌اند و من که ندیده بودم عروسکی بتواند طفلی را همزمان شاد و غمگین کند!

عمارت دوم: به اصرار پدر خانواده که چایمان نمک ندارد، رفتیم شب‌نشینی آرامِ پُرهیاهو! چهار معلول در چهار ضلع اتاق دراز کشیده بودند. سه پسر، یک دختر.

باورتان می‌شود چند جفت چشم داشتند با ما حرف می‌زدند. بلند بلند. یک نفس.

این روایت پایان ندارد هموطن... پایانش باز است.

به گمانم هر کداممان اگر یک خط مهربانی و حرف تازه به این حکایت اضافه کنیم، برنده‌ایم و فقر و تاریکی را پشت سر گذاشته‌ایم.

**خیال نوشت: چه خوب می‌بود اگر همه ماه‌ها، کمی در جان خودشان اسفند داشتند... مهربانی رقیق شده اسفند.**

## جدول ۷۴۹۶

zadehalireza@gmail.com
محمدرضا علی‌زاده

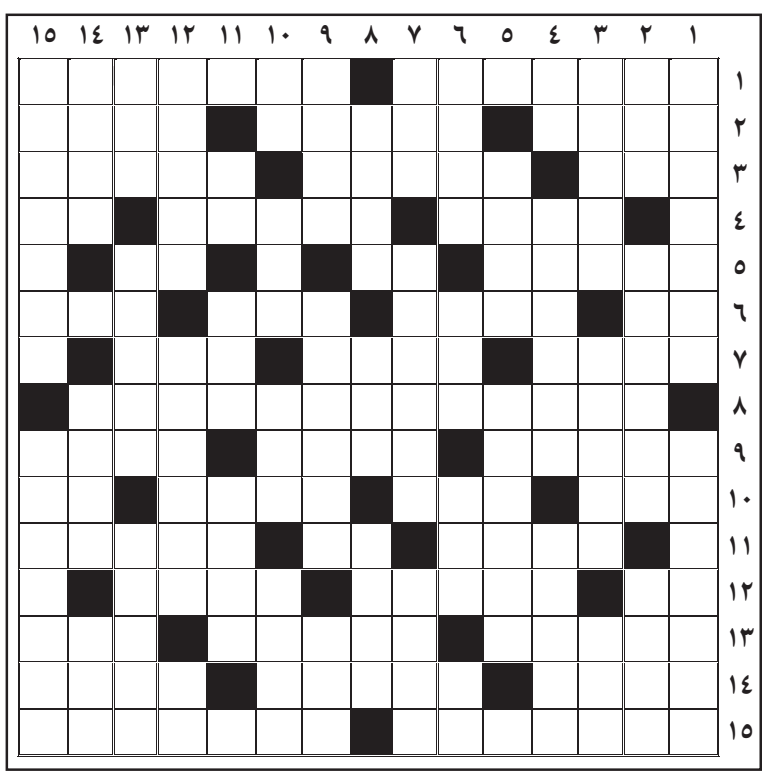

### افقی

۱. قبرستان – برابر فارسی که برای «انرژی» درنظر گرفته شد ۲. واحد پول عربستان – مسابقه نهایی – صحبت درگوشی ۳. بیماری تنگی نفس – سرمای شدید – سالن بزرگ ۴. خودبینی و خودرأیی – فائق – بو ، رایحه ۵. گنجدار معروف – خاندان – تکیه دادن ۶. مردن از غصه – نشر دهنده – قسمت بیرونی سقف – مجلس شادمانی ۷. ته‌نشین شونده- کارشناس اداره دارایی – بابای ترکی ۸. اپرایی از «جان کارلو منوتی» آهنگساز از ایتالیایی سده بیستم ۹. نام دخترانه - آستانه – خودرویی قدیمی ۱۰. درخت سهی – دومین مهره گردن انسان – از حبوبات – جواب مثبت بی‌ادبانه ۱۱. چاق و فربه –هنر- فیل ما قبل تاریخ ۱۲. مرز- پرده‌داری خانه کعبه – این هم خودروی داخلی ارزان قیمت بازنشسته ۱۳. پایتخت بحرین – گیاه خوشبو- حیوان موهومی ۱۴. پیشوند استاندارد بین‌المللی – شادمان – صلح و آشتی ۱۵. آبزی بی‌خطر- کشور آفریقایی به مرکزیت «کامپالا»

### عمودی

۱. عظیم‌الشأن – حمام گرفتن ۲. یار داستانی «رامین» -از استادان مشهور خوشنویسی – می گویند دار مکافات است ۳. شهری در مازندران – از توابع مثلثاتی- عموی حضرت ابراهیم (ع) ۴. نت بیماری – فدیه – آغشته به سم ۵. احمق و کودن – فروش کالا به بالاترین قیمت پیشنهادی ۶. غروب کردن – ضمیر احترام آمیز – روشنی و فروغ – ابر زمینی ۷. پرنور- مخفف «آرمیده» - فرشته حامل وحی در دین زرتشت ۸. شهری در ایتالیا – رفیق شفیق – نوعی نان کلفت ۹. معدنی – از توابع سرخس با دریاچه‌ای در حال خشک شدن – ام‌البشر ۱۰. خاندان- امیدواری – از تقسیمات کشوری – پول بعضی‌ها از آن بالا می رود ۱۱. ضمیر درونی – محل برگشتن – کره خاکی ۱۲. جاهای فرود آمدن – درخشنده – پسوند شباهت ۱۳. زمان مرگ – رایگان – عرصه ورزش باستانی ۱۴. آهسته و آرام – زوزه باد- شهر بادگیرها ۱۵. هماهنگی موسیقایی- از جنگ‌افزارها

حل جدول شماره قبل

منتظر نظرها، دیدگاه ها و انتقادهایتان در خصوص جدول هستیم
با ما تماس بگیرید